

آقای سبز جمهور

تلاشی برای یک انتخاب آگاهانه

آشنایی با مسایل محوری طرح آقای رئیس جمهور

ویژه انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶



جمعیت

اقتصاد مقاومتی

از رواج جوانان

مکن

اشتغال
استقلال اقتصادی

درون زایی

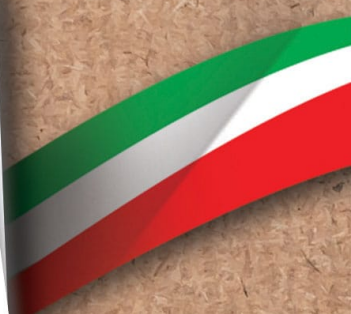
شفافیت

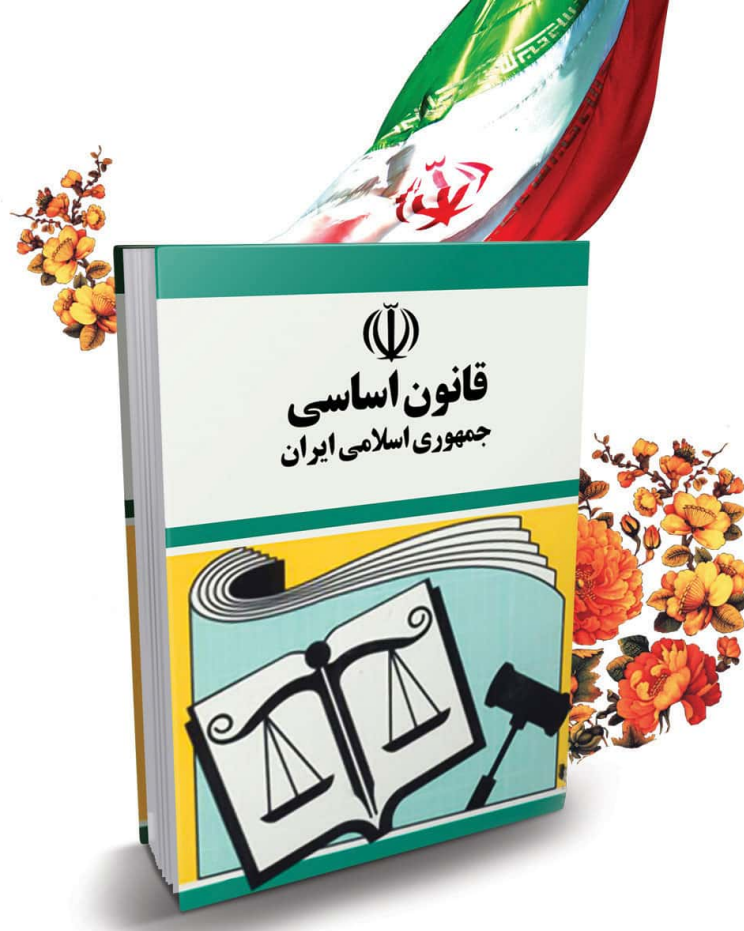
خود رفاهی

ارتقای سلامت مردم



www.lrentekhabat96.com





“

در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود؛ ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارائی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت.

با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است.

از مقدمه قانون اساسی

”

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آشنایی با مسائل محوری طرح «آقای رئیس جمهور»

شماره تماس دبیرخانه: ۰۲۱-۸۸۳۵۳۰۷۵

سایت رصد: entekhabat۹۶.ayaronline.ir

سایت پیشخوان: irentekhabat96.com

پست الکترونیکی: info@irentekhabat96.com

کلیه حقوق برای سایت عیارآنلاین محفوظ است.

زمستان ۱۳۹۵

فهرست

۵	سخن اول
۶	برجام، تجربه یا الگو؟
۱۰	قرض الحسنه چاره‌ساز
۱۵	نگران مردم، مردم نگران
۲۰	راه و بیراه طرح تحول
۲۴	سرنوشت مسکن مهر
۲۸	بیخیال غاز همسایه!
۳۲	دکان‌داری در آموزش
۳۶	شرح حال خودکفایی
۴۱	ارزش خانه‌داری
۴۵	آب هست اما...!

سخن اول

انتخابات در ایران معمولاً سیاسی است. به این معنا که ملاک‌ها، رفتارها و فضای سیاسی بسیار بر آن مؤثر است. در چنین فضایی هرچند صحبت‌های غیرسیاسی نیز مطرح می‌شود، اما در میان انبوهی از گزاره‌های سیاسی به حاشیه رفته و دیده نمی‌شود. قربانی اصلی این فضا مسائل و مشکلات مهم مردم است (به‌خصوص مشکلات اصلی اقتصادی و اجتماعی)؛ تا جایی که حتی طرح مسائل و مشکلات مردم نیز اغلب با اهداف سیاسی بوده و دغدغه برطرف کردن یا حل آن مشکل موضوعیت چندانی ندارد.

پرواضح است که در این میان اگر گروهی بخواهد مسائل و مشکلات اصلی مردم را برگرفته از اسناد بالادستی، قوانین و سیاست‌های ابلاغی رهبر معظم انقلاب، مطرح و تلاش کند تا این مسائل محور مباحث و گفتگوهای انتخاباتی شود، کار سختی بوده و با مشکلات فراوانی همراه است. چراکه در بنبوچه مباحث سیاسی در ایام انتخابات، گوش شنوایی برای شنیدن این حرف‌ها وجود ندارد.

طرح «آقای رئیس‌جمهور» از جنس همان تلاش‌هایی است که می‌خواهد خلاف مسیر غالب حرکت کند. «آقای رئیس‌جمهور» سه هدف مهم را دنبال می‌کند: اول؛ طرح مسائل مهم اقتصادی-اجتماعی در صحنه انتخابات و جلوگیری از به حاشیه رفتن آنها، دوم؛ کمک به افزایش شفافیت مواضع و وعده‌های نامزدهای ریاست جمهوری و سوم؛ کمک به انتخابی آگاهانه‌تر از سوی مردم. از همین رو «تلاشی برای یک انتخاب آگاهانه» شعار «آقای رئیس‌جمهور» انتخاب شده است. سابقه حضور در انتخابات ریاست

جمهوری به دوره گذشته برمی‌گردد که با نام طرح «عیار انتخابات» شناخته شد. تجربیات آن دوره زمینه‌ساز حضوری متفاوت در این دوره شد. «آقای رئیس‌جمهور» دیگر مسایل متعددی را طرح نمی‌کند، بلکه به صورت هدفمند ۱۰ مسئله مهم را انتخاب کرده است. «آقای رئیس‌جمهور» این ۱۰ مسئله را در کتابچه پیش‌رو تبیین کرده است و امیدوار است مخاطبانش وقت مناسب برای خواندن آنها داشته باشند.

«آقای رئیس‌جمهور» علاوه بر بیان مسئله به رصد نامزدهای انتخابات هم می‌پردازد. برای ما مهم است که بدانیم نامزدهای محترم درباره مسایل منتخب چه دیدگاهی دارند. همچنین دوست داریم این نظرات را به مخاطبان خود نشان دهیم. برای همین «آقای رئیس‌جمهور» رصد اظهارات نامزدهای انتخابات را جزء مهمی از کار خود می‌داند. شاید مخاطب ما وقت خواندن تمامی اظهارات نامزدها را نداشته باشد، ما به این دسته از مخاطبان سر شلوغ توصیه می‌کنیم هرچند وقت یک‌بار به «صفحه پیشخوان» «آقای رئیس‌جمهور» سر بزنند. در آنجا آخرین وضعیت نامزدها در نسبت با ۱۰ مسئله منتخب به‌راحتی قابل مشاهده است.

«آقای رئیس‌جمهور» به شما توصیه می‌کند حتماً این کتابچه را با دقت مطالعه کنید و پس از آن به «صفحه پیشخوان» مراجعه کنید و این کار را به دوستان خود نیز توصیه کنید.

از خدا می‌خواهیم مردم ایران را در انتخاب اصلح یاری کند.

برجام، تجربه یا الگو؟

نفتی، شرایط بسیار سختی برای اقتصاد نفتی کشور ایجاد کرد. تورم نزدیک به ۴۰ درصدی و ناتوانی دولت در پیشبرد برنامه‌های عمرانی خود به‌عنوان بزرگ‌ترین کارفرما در اقتصاد دو نمونه از وضعیت دشوار اقتصادی در آن زمان بود. وضعیت به وجود آمده بحث‌های فراوانی را پیرامون عوامل ایجادکننده آن برانگیخت. در این میان دو رویکرد اصلی اما کاملاً متفاوت در تحلیل آن وضعیت مطرح بود. یک رویکرد، علت به‌هم‌ریختگی اقتصاد را در بیرون از مرزهای کشور جستجو می‌کرد و تحریم‌ها را عامل اصلی ایجاد آن شرایط می‌دانست اما رویکرد دیگر

سال ۱۳۹۱ و پس از اعمال شدیدترین تحریم‌های مالی و اقتصادی آمریکا، اتحادیه اروپا و سازمان ملل، اقتصاد ایران دچار شوک‌های شدیدی در بازار ارز شد. صنایع و فعالیت‌های اقتصادی مختلفی که به نرخ ارز وابستگی بالایی داشتند دچار مشکلات جدی شدند. تحریم بانک مرکزی و شبکه بانکی که منجر به کاهش بسیار شدید تعاملات خارجی بانکی ایران شد و نیز ایجاد محدودیت در صادرات نفت خام به‌طوری‌که صادرات نفت خام ایران از ۲.۴ میلیون بشکه به حدود یک میلیون بشکه در روز رسید، و در کنار آن مانع‌تراشی بر سر دریافت درآمدهای

دولت یازدهم بهترین مسیر برای رفع تحریم‌های اقتصادی را مذاکره جدی با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانست. لذا مذاکرات هسته‌ای از همان ابتدای دولت با جدیت آغاز و ظرف مدت سه ماه به توافق اولیه منجر شد.

تحریم را تنها عاملی برای نمایان ساختن و به‌نوعی تشدیدکننده وضعیت بد اقتصادی می‌دانستند و علت اصلی را در اقتصاد بیمار ایران یعنی درون مرزهای کشور جستجو می‌کردند. در نتیجه انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ و پیروزی دکتر حسن روحانی، رویکرد اول بود که قدرت سیاسی در کشور را به دست گرفت. آقای دکتر روحانی اقتصاد و سیاست خارجی را به‌عنوان دو اولویت دولت خود اعلام کردند. در نتیجه دولت یازدهم بخش مهمی از انرژی و توان خود را برای برطرف ساختن علت اصلی مشکلات اقتصادی از منظر خود، یعنی تحریم‌های اقتصادی غرب، گذاشت. دولت یازدهم بهترین مسیر برای رفع تحریم‌های اقتصادی را مذاکره جدی با قدرت‌های بین‌المللی می‌دانست. لذا مذاکرات هسته‌ای از همان ابتدای دولت با جدیت آغاز و ظرف مدت سه ماه به توافق اولیه منجر شد. «توافق ژنو» در آذر ۱۳۹۲ امضا و از یک ماه بعد یعنی دی‌ماه همان سال اجرایی شد. در این توافق، ایران، با پذیرش محدودیت‌هایی در فعالیت‌های هسته‌ای خود امتیازهای محدودی در رفع تحریم‌ها به دست آورد که مهم‌ترین آن دریافت ماهیانه ۷۰۰ میلیون دلار از درآمدهای نفتی بلوکه‌شده خود در طول زمان اجرای توافق بود. هرچند موانع موجود ناشی از برداشته نشدن تحریم‌های ثانویه بانکی، اجازه نداد تا ایران از این امتیاز بهره کافی را ببرد. در ابتدا بنا بود توافق ژنو ۶ ماهه باشد تا پس‌از آن توافق جامع هسته‌ای حاصل شود، اما به دلیل پیچیده بودن مذاکرات و گسترده بودن ابعاد آن، ۱۳ ماه دیگر تمدید شد و در تیرماه ۱۳۹۴

بود که توافق جامع هسته‌ای به نام «برجام» به دست آمد. با پذیرش این توافق از سوی ایران و ۱+۵ روند اجرایی شدن آغاز شد. ابتدا قطعنامه ۲۲۳۱ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب و سه ماه فرصت بررسی به طرف‌های توافق داده شد. در مدت سه ماه در ایران و آمریکا توافق‌نامه مورد بررسی قرار گرفت و با توجه به رد نشدن آن در هیچ‌یک از دو کشور، وارد مرحله اجرا شد. در ایران، مقام معظم رهبری شروط نه‌گانه‌ای برای اجرای برجام و یک هیئت نظارت بر اجرای برجام نیز تعیین کردند. با اجرایی شدن توافق جامع، ایران تعهدات خودش را اجرا کرد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پس از راستی‌آزمایی آن‌ها گزارش خود را مبنی بر انجام تعهدات توسط ایران، منتشر کرد. بر این اساس در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۹۴ «روز اجرا» فرارسید. در این روز برداشته شدن تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا، اروپا و سازمان ملل وارد مرحله عملیاتی شد. به‌عبارت‌دیگر امتیازهای گرفته‌شده توسط ایران از این روز قابل نقد شدن بود. برداشتن تحریم‌های ثانویه اقتصادی از مهم‌ترین مطالبات طرف ایرانی در طول مذاکرات بود و این توقع در میان طرف ایرانی ایجاد شده بود که با فرارسیدن روز اجرا شرایط محیطی اقتصاد ایران به حالت قبل از تحریم‌ها باز خواهد گشت. در حال حاضر و باگذشت نزدیک به یک سال از زمان برداشتن تحریم‌ها آثار واقعی برجام بر حوزه اقتصاد قابل‌مشاهده و ارزیابی است. مجلس شورای اسلامی در گزارش اول خود از روند اجرای برجام به این آثار اشاره می‌کند. افزایش فروش

کرده است. وزارت امور خارجه ایران که وظیفه ارائه گزارش‌های سه‌ماهه به مجلس شورای اسلامی را به عهده دارد نیز در سه گزارش رسمی خود بیشتر موانع را ناشی از موضوعات غیربرجامی دانسته و می‌توان گفت که از نظر وزارت خارجه ایران مشکل اصلی بدعهدی آمریکا نیست. علی‌ای حال فارغ از اینکه ریشه مشکلات ناشی از بدعهدی است یا ناشی از ایرادات متن برجام، دو رویکرد در حال پروبال گرفتن در فضای تصمیم‌گیران ایرانی است. یک رویکرد راه‌حل خروج از وضعیت موجود را در تکرار کردن مدل برجام می‌داند و معتقد است با برجام بخشی از تحریم‌ها برطرف شده اما بخش دیگری از تحریم‌ها که سبب شده تا ایران نتواند بهره کامل از برجام ببرد، باقی مانده است و برای برداشتن آن‌ها باید مدل برجام را تکرار کرد. با این کار می‌توان مشکلات اقتصادی کشور را برطرف کرد. رویکرد دیگر راه‌حل را در توجه به ریشه‌های واقعی مشکلات اقتصادی کشور می‌داند که باید در داخل کشور جستجو شود و معتقد است با تکرار کردن مدل

نفت خام ایران، استفاده از بیمه‌های بین‌المللی، خارج شدن ۶۰۶ شخص و نهاد ایرانی از لیست تحریمی، از بلوکه خارج شدن پول‌های ایران در خارج از جمله آثاری است که مجلس شورای اسلامی به آن اشاره کرده است. همچنین در این گزارش چندین بار به محدودیت‌های باقی‌مانده در روابط بانکی اشاره می‌کند که سبب شده است ایران نتواند از عواید حاصل از فروش نفت و همچنین منابع مالی آزادشده بهره ببرد. در گزارش مجلس آمده است: «بخش قابل توجهی از وجوه مسدود شده ایران در خارج از کشور، رفع تحریم شده است، اما نقل و انتقال و تبدیلات ارزی این وجوه همچنان با مشکلات و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های گذشته روبه‌روست». در این گزارش به‌صراحت بیان شده است که: «در خصوص رفع تحریم‌های اقتصادی، مقصود دولت و ملت ایران در حدود مورد انتظار محقق نشده است». بر این اساس مسئله تحریم‌های مالی ایران کماکان باقی مانده است. عدم توانایی بانک مرکزی در تک‌نرخ کردن قیمت ارز و به حرکت درنیامدن موتور پروژه‌های عمرانی از

سوی دولت نیز مؤید گزاره‌های فوق است. مسئولین ایرانی شرایط به وجود آمده را ناشی از بدعهدی طرف مقابل در اجرای برجام می‌دانند؛ اما آمریکا در دفعات مختلف اعلام کرده است که تمامی تعهدات خود را منطبق با برجام عمل

افزایش فروش نفت خام ایران، استفاده از بیمه‌های بین‌المللی، خارج شدن ۶۰۶ شخص و نهاد ایرانی از لیست تحریمی، از بلوکه خارج شدن پول‌های ایران در خارج از جمله آثار اجرای برجام است که در گزارش مجلس شورای اسلامی بدان اشاره شده است. همچنین در این گزارش چندین بار به محدودیت‌های باقی‌مانده در روابط بانکی اشاره می‌کند که سبب شده است ایران نتواند از عواید حاصل از فروش نفت و همچنین منابع مالی آزادشده بهره ببرد.

برجام هیچ‌کدام از آن‌ها برطرف نخواهد شد و تنها با تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی است که می‌توان آن‌ها را برطرف کرد. دولت دوازدهم فارغ از هر گرایش سیاسی که دارد با این مسئله روبه‌رو است و رئیس‌جمهور آینده نیاز دارد تا مسیر خود را به‌درستی انتخاب کند. انتخابی که آثار فراوانی بر پیشرفت یا عقب‌گرد ملت بزرگ ایران دارد.

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

تئور مدل برجام را برای رفع مشکلات اقتصادی کارآمد می‌دانید؟

بله، مدل کارآمدی است.

خیر، مدل کارآمدی نیست.

بررسی وضعیت وام‌های قرض الحسنه در نظام بانکی

قرض الحسنه چاره‌ساز

بخش زیادی از مردم در زندگی روزمره خود با مشکلات مالی در زمینه‌های مختلف مانند اشتغال، ازدواج، مسکن، فرزند آوری و ... مواجه هستند. یکی از راهکارهای مورد توصیه اسلام برای حل این مشکلات، اعطای قرض الحسنه به این افراد است. در واقع، اسلام قرض الحسنه را برای رفع نیاز گروهی قرار داده است که در آینده توانایی بازپرداخت بدهی خود را دارند اما در حال حاضر توانایی مالی گسترش و ارتقای سطح زندگی و فعالیت خود را ندارند. به‌عنوان نمونه، بسیاری از جوانان برای ازدواج با مشکلات مالی

زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند و همین مشکلات انگیزه آن‌ها را برای ازدواج کاهش می‌دهد. این وضعیت منجر به افزایش سن ازدواج و ایجاد معضلات اجتماعی در جامعه می‌شود. از سوی دیگر، بسیاری از زوجین بخصوص زوج‌های جوان برای فرزند آوری نگرانی‌های مالی قابل توجهی دارند، زیرا با هزینه‌های پیش از زایمان، هزینه‌های زمان زایمان و هزینه‌های پس از زایمان مواجه هستند. همین موضوع باعث می‌شود که انگیزه زیادی برای فرزند آوری نداشته باشند و یا اینکه آن را به تعویق بیندازند؛ که به

فقط یک سوم از منابع قرض الحسنه بانک‌ها به پرداخت تسهیلات قرض الحسنه اختصاص یافته و حدود ۷۰ درصد آن صرف وام‌های با سود بالا شده است. بعلاوه آمار و ارقام نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این تسهیلات به مصارف غیر اولویت‌دار مانند تخصیص وام به کارمندان بانک‌ها اختصاص یافته است.

برای افراد فاقد این امکانات) و همچنین حمایت از افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی است.

ب- تصویب قانون «عملیاتی بانکی بدون

ریا» در سال ۱۳۶۲: مطابق با ماده ۱۴ این قانون و ماده ۱۶ آیین‌نامه فصل ۳ آن، بانکها موظف شده‌اند باهدف تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار، حمایت از افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی و رفع نیازهای اساسی اشخاص، بخشی از منابع خود را از طریق قرض‌الحسنه به متقاضیان اختصاص دهند.

بر اساس قوانین مذکور، «بانکها» مهم‌ترین ابزار دولت‌ها برای اعطای وام قرض‌الحسنه به مردم هستند تا از این طریق بخشی از وظایف دولت‌ها در قبال مردم اجرایی شود. علی‌رغم این تأکیدات، تخصیص وام‌های قرض‌الحسنه به مردم برای رفع نیازهای ضروری زندگی آنها مانند ازدواج، حال‌وروز خوشی ندارد که ریشه آن، وجود مشکلات جدی در زمینه میزان و نحوه تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانکها است. در صورت رفع این مشکلات، هم منابع قابل تخصیص قرض‌الحسنه

کاهش نرخ باروری و به تبع آن کاهش رشد جمعیت کشور دامن می‌زند. اعطای وام‌های قرض‌الحسنه برای ازدواج و فرزند فرزندآوری همان‌طور که در بسیاری از کشورهای جهان مرسوم است، می‌تواند مشکلات مذکور را تا حدود زیادی کاهش دهد.

هرچند این سنت حسنه اسلامی سال‌هاست به‌صورت مردمی در کشورمان رواج دارد، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، این موضوع با تصویب دو قانون مهم گسترش یافت؛ چراکه به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم حاکمیت برای عمل به بعضی از تکالیف خود شناخته شد.

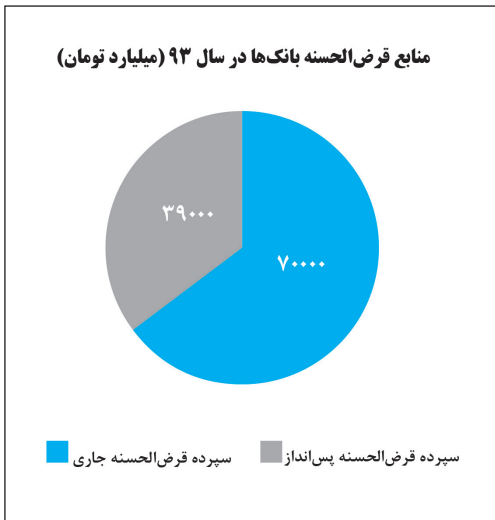
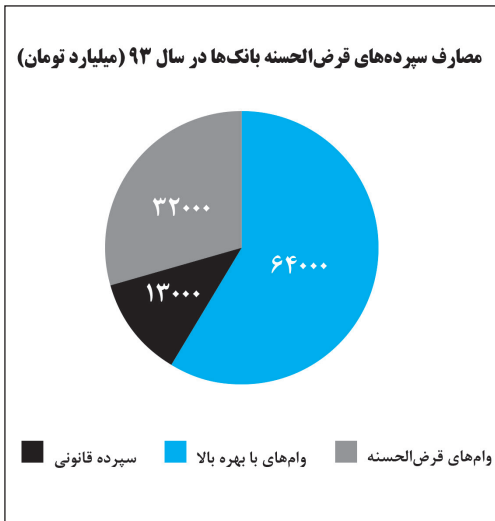
الف- تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸:

طبق بند ۱ اصل ۴۳ قانون اساسی، تأمین نیازهای اساسی مردم شامل مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده، از جمله وظایف اقتصادی حاکمیت جمهوری اسلامی است. بنابراین حاکمیت موظف به فراهم‌سازی شرایط اقتصادی لازم برای تشکیل خانواده (ازدواج) یعنی سرمایه اولیه برای خرید مایحتاج و تهیه مسکن (و برای دختران جهیزیه) است. همچنین مطابق با

بندهای ۲ و ۹ این اصل قانون اساسی، حاکمیت موظف به تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار در شکل تعاونی (صرفاً

تخصیص وام‌های قرض‌الحسنه به مردم برای رفع نیازهای ضروری زندگی آنها مانند ازدواج، حال‌وروز خوشی ندارد که ریشه آن، وجود مشکلات جدی در زمینه میزان و نحوه تخصیص منابع قرض‌الحسنه بانکها است.

که بخش قابل توجهی از این تسهیلات به مصارف غیر اولویت‌دار مانند تخصیص وام به کارمندان بانک‌ها و یا مصارف نامشخص با عنوان «سایر» اختصاص یافته است.



به‌عنوان مثال، بر اساس آمارها در پایان سال ۱۳۹۴ حدود یک‌سوم از مانده منابع قرض‌الحسنه پس‌انداز مردم به‌صورت وام قرض‌الحسنه در اختیار مدیران و کارکنان بانک‌ها قرار گرفته است.^۳

افزایش می‌یابد و هم اولویت‌بندی تخصیص آن تغییر می‌کند. برای تشریح وضعیت فعلی باید ابتدا نگاهی به سازوکار بانک‌ها برای تأمین منابع وام‌های قرض‌الحسنه بیندازیم.

جهت اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه، بانک‌ها به تجهیز این منابع از طریق سپرده‌های قرض‌الحسنه (سپرده‌هایی که مردم با نرخ صفر در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند) می‌پردازند و این سپرده‌ها به دو دسته «سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز» و «سپرده قرض‌الحسنه جاری» تقسیم می‌شود. سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز با نیت خیرخواهانه مردم و جهت اعطای وام‌های قرض‌الحسنه در بانک‌ها با نرخ صفر و بدون دریافت هیچ‌گونه سودی سپرده‌گذاری می‌شود و سپرده قرض‌الحسنه جاری نیز جهت انجام امور جاری (عمدتاً دریافت دسته‌چک) با نرخ صفر و بدون دریافت هیچ‌گونه سودی در بانک سپرده‌گذاری شده است.

بر اساس آمارهای بانک مرکزی در پایان سال ۱۳۹۳، حدود ۱۰۹ هزار میلیارد تومان به‌صورت قرض‌الحسنه (قبل از کسر سپرده قانونی)^۱ با نرخ صفر در قالب سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز و جاری توسط مردم در بانک‌ها سپرده‌گذاری شده است. متأسفانه فقط یک‌سوم از این منابع به پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه اختصاص یافته و حدود ۷۰ درصد آن صرف وام‌های با سود بالا شده است.^۲ بعلاوه آمار و ارقام تسهیلات قرض‌الحسنه نشان می‌دهد

۱. بعد از کسر سپرده قانونی، این رقم به حدود ۹۶ هزار میلیارد تومان رسیده است.

از زوجین از ۳ به ۱۰ میلیون تومان را به همراه داشت. بانک‌ها که هیچ تمایلی به اجرای این قانون نداشتند، تلاش کردند با ادعای کمبود منابع، قانون مذکور را غیرقابل اجرا نشان دهند. اما این تلاش‌ها موفقیت‌آمیز نبود و این قانون در ماه‌های اخیر، در حال اجراست. باین وجود، عدم تمایل بانک‌ها به افزایش وام ازدواج که ناشی از عدم تمایل آن‌ها به استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری در زمینه رفع نیازهای مردم و همچنین تداوم وضعیت غیر شفاف استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه در نظام بانکی است، موجب شده است تا بانک‌ها در روند اعطای وام ازدواج به متقاضیان سنگ‌اندازی کنند و صف‌های دریافت این وام طولانی‌تر شود. در هر صورت، دولت آینده باید یکی از این راه‌ها را درباره منابع قرض‌الحسنه انتخاب کند:

◆ با اصلاح نظام بانکی، استفاده از این منابع قرض‌الحسنه در راستای رفع نیازهای ضروری مردم بخصوص ازدواج را افزایش دهد

به عبارت دیگر، علیرغم نیاز شدید مردم و تأکید نظام بانکی بر کمبود منابع بخصوص در موضوع وام ازدواج، بخش قابل توجهی از سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز، صرف پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه به مردم نشده است. این وضعیت در مورد سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری به مراتب بحرانی‌تر است. این سپرده‌ها منحصراً در اختیار بانک‌ها بوده و هیچ بخشی از آن به وام‌های قرض‌الحسنه اختصاص نیافته است. این انحصار موجب شده است تا منابعی که با سود صفر درصد به دست آمده است به وام‌های با سود بالا اختصاص یابد و منافع زیادی از سپرده‌گذاران سلب و به بانک‌ها منتقل شود.

آگاهی برخی از نمایندگان مجلس از وضعیت منابع قرض‌الحسنه و انحرافات عظیم بانک‌ها در استفاده از این منابع و همچنین مشکل اقتصادی جوانان برای تشکیل خانواده، تصویب تبصره ۲۹ قانون بودجه امسال مبنی بر افزایش وام قرض‌الحسنه ازدواج برای هر یک

عدم تمایل بانک‌ها به افزایش وام ازدواج که ناشی از

عدم تمایل آن‌ها به استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه

جاری در زمینه رفع نیازهای مردم و همچنین تداوم

وضعیت غیر شفاف استفاده از سپرده‌های قرض‌الحسنه

در نظام بانکی است، موجب شده است تا بانک‌ها

در روند اعطای وام ازدواج به متقاضیان سنگ‌اندازی

کنند و صف‌های دریافت این وام طولانی‌تر شود.

و حتی امکان استفاده از این منابع در راستای رفیع سایر نیازهای مردم مانند تسهیلات فرزند آوری را فراهم آورد.

◆ به دنبال اصلاح نظام بانکی ورود و صرفاً نظاره‌گر تداوم روند معیوب فعلی و صفهای طولانی دریافت وام ازدواج ۱۰ میلیون تومانی باشد.

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

با افزایش وام‌های قرض‌الحسنه با منابع فعلی بانکی موافقت می‌کنید؟

موافقت

مخالف

نگاهی بر راهبرد مقابله با فیش‌های نجومی

نگران مردم، مردم نگران

بررسی تجربیات جهانی نشان می‌دهد که صرفاً از طریق بهبود قانون‌گذاری یا افزایش نظارت درونی (مثلاً تعیین سقف حقوق)، فساد در حوزه پرداخت‌های بخش عمومی کاهش نخواهد یافت؛ بلکه «شفافیت روابط مالی در مناسبات بخش عمومی» دارای نقش کلیدی است و باید این موضوع در کشورمان نیز مورد توجه قرار گیرد.

هیئت‌مدیره صندوق توسعه ملی و مدیران عامل بانک‌های ملت، رفاه کارگران و قرض‌الحسنه مهر ایران و برخی دیگر از مدیران بیمه‌ای و بانکی کشور را در پی داشت. افشای این فیش‌های حقوقی چند ده‌میلیونی که در جامعه به «فیش‌های نجومی» مشهور شدند، شوک سنگینی برای مردم بود و ضربه مهمی به اعتماد آن‌ها به نظام وارد کرد؛ مردمی که به‌سختی زندگی خود را اداره می‌کنند و عملاً بار سوء تدبیرهای مدیران در اداره کشور

اواسط اردیبهشت‌ماه ۹۵، فیش‌های حقوقی چند ده‌میلیونی برخی از مدیران ارشد بیمه مرکزی در فضای رسانه‌ای منتشر شد که بازتاب زیادی در جامعه داشت و منجر به استعفای رئیس بیمه مرکزی شد. متعاقب این اتفاق، موج وسیعی از انتشار فیش‌های حقوقی مدیران ارشد دستگاه‌های دولتی مانند مدیران ارشد صندوق توسعه ملی و برخی از بانک‌ها در رسانه‌ها آغاز شد که در اواخر بهار و اوایل تابستان به اوج خود رسید و استعفای اعضای

«شفافیت دریافتی مدیران کشور و استرداد دریافتی‌های مازاد» را ارائه دادند که بررسی یک‌فوریتی آن در تیرماه، به تصویب رسید. اوایل مهرماه، کمیسیون اصل ۹۰ مجلس جزئیات این طرح را با تغییرات زیادی به تصویب رساند که با طرح اولیه نمایندگان مجلس تفاوت‌های مهمی داشت. درنهایت، کلیات این طرح در جلسه ۲۳ آبان ماه مجلس رد شد. مهم‌ترین بند طرح اولیه مجلس که در اصلاحات کمیسیون اصل ۹۰ حذف شد، بند ۳ آن بود: «حقوق، مزایا، پاداش و کلیه دریافتی‌های مدیران و کارکنان دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مسئولان حکومتی باید در وبگاهی متمرکز به اطلاع عموم مردم رسانده شود». رئیس‌جمهور هم با انتشار بیانیه‌ای ۹ ماده‌ای در تاریخ ۱۴ تیرماه درباره اقدامات دولت درباره برخورد با فیش‌های نجومی اعلام کرد که دولت به منظور اعمال یکپارچگی در نظام حقوقی پرداختها و رفع خلأها یا ابهامات قانونی در این زمینه، لایحه مربوطه را به‌فوریت تهیه کرده و به مجلس تقدیم خواهد کرد. در بخشی از بند ۴ این بیانیه با تعیین مهلت زمانی یک‌ماهه، آمده بود: «تمامی دستگاه‌ها موظف‌اند تمام حقوق و مزایای دریافتی کلیه مقامات کشوری و لشکری را به‌صورت حداقل و حداکثر دستمزد و پرداختی ماهانه

را به دوش می‌کشند. همچنین افشای این فیش‌های حقوقی، واکنش شدید رسانه‌ها و مسئولین ارشد نظام را در پی داشت و مطالبه اجتماعی وسیعی برای اصلاح این وضعیت به وجود آمد. به‌عنوان مثال، رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز عید فطر (۱۶ تیر)، ضمن اشاره به «نامشروع و خیانت به آرمان‌های انقلاب اسلامی» بودن چنین پرداخت و دریافت‌هایی، بر برخورد قاطعانه مسئولان با این پدیده زشت و برکناری افراد مرتبط با این موضوع و همچنین بازگشت این دریافتی‌ها تأکید کردند. در همین راستا، بخش‌های مختلف نظام اقدامات زیر را در دستور کار خود قرار دادند:

◆ بررسی فیش‌های حقوقی مدیران کشور بخصوص مدیران دولتی و تلاش برای بازگرداندن دریافتی‌های غیرقانونی به بیت‌المال

◆ تحلیل ریشه‌های قانونی پرداخت این حقوق و تلاش برای اصلاح آن و همچنین تصویب قوانینی برای تعیین سقف حقوق مدیران

◆ تلاش برای انتشار عمومی و مستمر فیش‌های حقوقی و کلیه دریافتی‌های مدیران

گروهی از نمایندگان مجلس، طرح دوفوریتی

الف- اطلاعات دریافتی‌ها گزارش می‌شود ولی این گزارش صرفاً برای استفاده مراجع نظارتی است و عموم مردم امکان دسترسی به آن‌ها را ندارند.

ب- اطلاعات دریافتی‌ها برای استفاده مراجع نظارتی گزارش می‌شود، اما عموم مردم نیز طبق رویه‌ها یا قوانین کشوری مربوط به آزادی اطلاعات، حق مطالبه و دسترسی به این اطلاعات را دارند. در این حالت، معمولاً نهادهای تحقیقاتی یا سازمان‌های مردم‌نهاد، با استناد به قوانین مذکور، اطلاعات دریافتی‌ها را درخواست کرده و پس از آماده‌سازی، برای اطلاع عموم مردم منتشر می‌کنند.

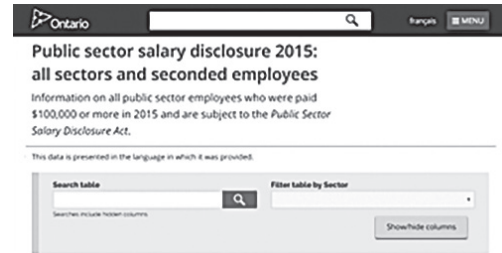
ج- اطلاعات اگرچه برای استفاده مراجع نظارتی تهیه می‌شود اما انتشار عمومی نیز می‌شوند.

بسیاری از کشورهای جهان مانند آمریکا، کانادا، مکزیک، برزیل، آرژانتین، فرانسه، ایتالیا، گرجستان، لیتوانی، کرواسی، هند، افغانستان، اندونزی و آفریقای جنوبی از روش سوم استفاده می‌کنند. به‌عنوان مثال، در بسیاری از ایالت‌های کانادا، مطابق قانون افشای پرداخت‌های بخش عمومی، دریافتی‌های تمام مدیران یا کارکنان شاغل در بخش عمومی که بالای رقم خاصی دریافت می‌کنند (مثلاً ۱۰۰ هزار دلار در سال یا میانگین ۸۳۰۰ دلار در ماه

در سایت وزارتخانه یا سازمان ذی‌ربط، و همچنین در سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور برای آگاهی عموم درج نمایند؛ هرگونه پرداختی ورای این مبالغ تخلف به شمار آمده و موجب ضمان و تخلف اداری محسوب خواهد گردید». تاکنون خبری از انتشار عمومی حقوق و مزایا کلیه مقامات کشوری و لشکری و تقدیم لایحه دولت به‌منظور اعمال یکپارچگی در نظام حقوقی پرداخت‌ها به مجلس نشده است. البته تدوین سازوکارهایی برای جلوگیری از پرداخت‌های نجومی (غیرمتعارف) به مدیران در بخش عمومی (سازمان‌ها و نهادهای دولتی) دغدغه‌ای نیست که منحصر به کشورمان باشد بلکه این موضوع سال‌هاست که در کشورهای مختلف جهان مطرح است. بررسی تجربیات جهانی در این زمینه نشان می‌دهد که صرفاً از طریق بهبود قانون‌گذاری یا افزایش نظارت درونی (مثلاً تعیین سقف حقوق)، فساد در حوزه پرداخت‌های بخش عمومی کاهش نخواهد یافت؛ بلکه «شفافیت روابط مالی در مناسبات بخش عمومی» دارای نقش کلیدی در این زمینه است و باید این موضوع در کشورمان نیز موردتوجه قرار گیرد. به‌صورت کلی، در حوزه شفافیت پرداخت‌ها (دریافتی‌ها) به مدیران از منابع بخش عمومی، سه روش متعارف برای گزارش دهی وجود دارد:

باشند و ثانیاً: امکان تبانی بین مدیران و نهادهای نظارتی وجود نداشته باشد. **مدافعان روش دوم** معتقدند با استفاده از این روش هم وضعیت حقوق و مزایای مدیران با حداقل حاشیه ساماندهی می‌شود و هم از ظرفیت مردمی برای اصلاح این وضعیت استفاده خواهد شد. با این وجود، این سؤال مطرح است که اگر امکان افشای عمومی این اطلاعات وجود دارد، چرا باید این کار را معطل به سازوکارهای دیگری کرد؟ مدافعان روش سوم هم اعتقاد دارند که با استفاده از این روش، ظرفیت نظارت مردمی فعال می‌شود و اعتماد عمومی به حاکمیت افزایش می‌یابد زیرا اولاً: بستر تبانی‌های احتمالی بین مدیران و نهادهای نظارتی از بین می‌رود؛ ثانیاً: امکان تعلل مدیران برای ارائه اطلاعات یا ارائه اطلاعات غلط توسط آن‌ها، به حداقل می‌رسد و ثالثاً: راندمان کاری مدیران هم به‌مرور

برای ایالت اونتاریو کانادا) به تفکیک بخش و دستگاه با ذکر نام فرد و میزان دریافتی بر روی اینترنت منتشر می‌شود. این فهرست، از آنجایی که به‌مثابه تاباندن نور شفافیت بر روی پرداختی‌ها است، فهرست نور آفتاب نامیده می‌شود. فهرست نور آفتاب ایالت اونتاریو در زیر آمده است:



مدافعان روش اول اعتقاد دارند که با استفاده از این روش می‌توان وضعیت حقوق و مزایای مدیران را با حداقل حاشیه‌سازی برای حاکمیت، سروسامان داد. با این وجود، استفاده از این روش وقتی کارایی مناسبی دارد که اولاً: نهادهای نظارتی توان کافی برای برخورد با این تخلفات داشته

در بسیاری از ایالت‌های کانادا، مطابق قانون افشای پرداخت‌های بخش عمومی، دریافتی‌های تمام مدیران یا کارکنان شاغل در بخش عمومی که بالای رقم خاصی دریافت می‌کنند (مثلاً ۱۰۰ هزار دلار در سال یا میانگین ۸۳۰۰ دلار در ماه برای ایالت اونتاریو کانادا) به تفکیک بخش و دستگاه با ذکر نام فرد و میزان دریافتی بر روی اینترنت منتشر می‌شود.

افزایش خواهد یافت. با این وجود، استفاده از این روش احتمال دارد حاشیه‌هایی برای حاکمیت به دنبال داشته باشد. در هر صورت، دولت آینده نمی‌تواند مطالبه عمومی برای ساماندهی وضعیت حقوق و مزایای مدیران را نادیده بگیرد و باید برنامه مشخصی در زمینه شفافیت پرداختی‌ها داشته باشد و یکی از سه راهکار فوق را انتخاب کند. در واقع، دولت آینده باید تصمیم بگیرد که به دنبال پیاده‌سازی کدام یک از راهکارها است و این راهکار را در چه سطحی از مدیران اجرا خواهد کرد؟

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

کدام رویکرد را برای مقابله با فیش‌های نجومی مناسبتر می‌دانید؟

افزایش نظارت
انتشار عمومی در یافتی‌ها

بررسی مهمترین چالش پیش روی طرح تحول سلامت

راه و بیراه طرح تحول

۲۰

مضاعف به وجود آمده برای مردم، مسئولین را بر آن داشت که در پی راهکاری برای کاهش پرداخت از جیب باشند. به طور کلی دو رویکرد متفاوت در مواجهه با این مشکل و کاهش پرداخت از جیب مردم وجود دارد.

رویکرد اول بر تأمین هزینه‌های سلامت از طریق افزایش منابع عمومی دولتی استوار است. به بیان دیگر با تزریق منابع دولتی بیشتر در نظام سلامت، سهم مردم در تأمین هزینه‌های بیماری کاهش می‌یابد. طرح تحول نظام سلامت در دولت یازدهم مبتنی بر این رویکرد انجام شد.

طی سال‌های اخیر بیماری‌های غیرواگیر از جمله بیماری‌های قلبی و عروقی، دیابت و سرطان گسترش یافته و در حال حاضر عامل نزدیک به ۷۰ درصد مرگ‌ومیرها است. تشخیص بیماری‌های غیر واگیر و کنترل آن نیازمند تجهیزات و داروهای گران‌قیمت است، در نتیجه گسترش این بیماری‌ها منجر افزایش شدید در هزینه‌های سلامت شده است. این مسئله سبب شد که در سال ۹۲ پرداخت از جیب مردم به بیش از ۵۰ درصد افزایش یابد^۱. به بیان دیگر بار مالی ناشی از افزایش هزینه بیماری‌ها به مردم تحمیل شد. فشار

پس از اجرای گام سوم طرح تحول سلامت، که با افزایش متوسط ۱۵۰ درصدی تعرفه‌های خدمات پزشکی همراه بود، هزینه‌های سلامت افزایش چشمگیری داشت و از ۴۳ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۰ به بیش از ۱۰۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۴ رسید.

درصدی تعرفه‌های خدمات پزشکی همراه بود، هزینه‌های سلامت افزایش چشمگیری داشت و از ۶۵ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۲^۲ به بیش از ۱۲۰ هزار میلیارد تومان در سال ۹۴ رسید^۳. بر این اساس اگرچه سهم پرداختی مردم از مجموع هزینه‌های سلامت از ۵۵ درصد در سال ۹۲ به ۴۱ درصد در سال ۹۴ کاهش یافت، اما مطلق پرداخت از جیب مردم از حدود ۳۵ به ۴۹ هزار میلیارد تومان افزایش یافت.

مقایسه هزینه‌های سلامت و میزان پرداخت از جیب نسبی و مطلق در سالهای ۹۲ و ۹۴

سال	هزینه‌های سلامت (هزار میلیارد تومان)	پرداخت از جیب واقعی (هزار میلیارد تومان)	سهم پرداخت از جیب
۱۳۹۲	۶۵	۳۵	٪۵۵
۱۳۹۴	۱۲۰	۴۹	٪۴۱

با افزایش ۱۵۰ درصدی هزینه‌ها در گام سوم، علاوه بر فشار به مردم، عرصه بر بیمه‌ها نیز تنگ شد؛ به‌عنوان مثال هزینه‌های بیمه تأمین اجتماعی در بخش سلامت حدود ۳ برابر شد^۴. همچنین به‌منظور پرداخت بدهی‌های سازمان بیمه سلامت، دولت ۸۰۰۰ میلیارد تومان اوراق قرضه منتشر کرد. به بیان دقیق‌تر با افزایش هزینه‌ها در بخش سلامت و تحمیل آن به بیمه‌های سلامت، این نهادها تا آستانه ورشکستگی پیش رفتند.

معضل زیرمیزی نیز که وزیر بهداشت وعده حذف کامل آن را در سال ۹۳ و بعد از اجرای گام سوم داده بود، باوجود کاهش، همچنان

این طرح به‌صورت رسمی از سال ۱۳۹۳ در هیئت‌وزیران تصویب و گام‌های اجرایی آن آغاز شد. هرچند در گام دوم این طرح به مسئله بهداشت توجه شده است اما شاکله اصلی آن بر درمان محوری استوار است. حذف زیرمیزی، کاهش پرداخت از جیب، افزایش کیفیت خدمات درمانی، بیمه شدن افراد فاقد بیمه پایه درمانی از مهم‌ترین اهداف طرح تحول سلامت عنوان شده است. تاکنون ۸ بسته حمایتی در قالب ۴ گام در طرح تحول اجرا شده است که عبارت‌اند از:

گام اول - کاهش هزینه‌های پرداختی و افزایش

دسترسی مردم به خدمات

گام دوم - توسعه خدمات بهداشتی

گام سوم - ارزش‌گذاری خدمات و بیمه‌ها

گام چهارم - آموزش پزشکی

حضور پزشکان مقیم در بیمارستان‌های دولتی و کاهش پرداخت از جیب در آن‌ها و حمایت از ماندگاری پزشکان در مناطق محروم از جمله مهم‌ترین بسته‌های حمایتی طرح تحول بودند.

به‌موجب این طرح، سهم پرداخت از جیب برای هزینه‌های بستری در بیمارستان‌های دولتی به کمتر از ۱۰ درصد کاهش یافت و بیش از ۱۰ میلیون نفر از افراد فاقد بیمه تحت پوشش بیمه سلامت قرار گرفتند.

در کنار دستاوردهایی که طرح تحول تاکنون داشته است باید توجه کرد که پس از اجرای گام سوم آن، که با افزایش متوسط ۱۵۰

می‌گیرند و منابع را به سمت آن‌ها هدایت می‌کنند. در این رویکرد وزارت بهداشت به‌عنوان تولیدکننده سلامت و وظیفه سیاست‌گذاری و نظارت را به عهده دارد.

اصلاح ساختار به‌صورت کلی همان اصل تفکیک تولید، ارائه خدمت و خریدار خدمت است تا در نتیجه تقابل این سه کارکرد، برآیندی مناسب و کارآمد برای مردم حاصل شود. همچنین ارائه خدمت توسط نهاد متولی (وزارت بهداشت) مضر است زیرا این نهاد را از انجام وظیفه اصلی خود باز می‌دارد چه رسد به این که این نهاد کارکرد خرید خدمت را هم انجام دهد.

توقف طرح تحول نظام سلامت به دلیل مزایایی که برای مردم داشته و انتظاراتی که در جامعه ایجاد کرده است، امری غیرمنطقی و ناممکن به نظر می‌رسد. اکنون طرح در شرایطی است که به‌شدت با معضل تأمین مالی روبروست. راهکار وزارت بهداشت تجمیع منابع بیمه‌ای در این وزارتخانه است. از نظر بسیاری کارشناسان و حتی برخی از مسئولین و نمایندگان مجلس، ادامه وضعیت فعلی طرح و مسیر افزایش هزینه‌های آن غیرممکن است و اگر اصلاحات جدی برای ادامه این مسیر صورت نگیرد کشور را با آسیب جدی روبرو خواهد کرد. البته این رویکرد وزارت بهداشت

پابرجاست؛ حتی خود ایشان به عدم از بین رفتن زیرمیزی اعتراف و تشدید نظارت‌ها را در این زمینه خواستار شد.^۵

رویکرد دوم بر کاهش هزینه‌ها و جلوگیری از اتلاف منابع تأکید دارد. طرفداران این رویکرد اعتقاد دارند، طی سالیان دراز هزینه‌های سلامت به‌طور غیرواقعی افزایش یافته و با اصلاح ساختار می‌توان این هزینه‌ها را کاهش داد. در این رویکرد بر مدیریت صحیح منابع به‌جای افزایش افسارگسیخته منابع تأکید می‌شود. بر این اساس بیمه‌های سلامت به‌عنوان خریدار آگاه خدمت و وکیل مردم که انگیزه کافی برای افزایش کیفیت خدمات هم‌زمان با کاهش هزینه‌ها و پیشگیری از بیمار شدن و ارتقا سلامتی مردم دارند از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. این بیمه‌ها با استفاده از ابزارهایی مانند پرونده الکترونیک سلامت، پزشک خانواده، نظام ارجاع و نظارت بر عملکرد ارائه‌دهندگان خدمت بر اساس راهنمای بالینی، هزینه‌های سلامت را مدیریت می‌کنند و به نقطه مطلوب می‌رسانند. تفاوت دو رویکرد فوق در مدیریت منابع به‌خوبی نمایان می‌شود. رویکرد افزایش منابع از تجمیع و انتقال بیمه‌های درمانی به وزارت بهداشت حمایت می‌کند تا بتواند تمامی دخل و خرج حوزه سلامت را مدیریت کند.

اما رویکرد دوم به دنبال تقویت بیمه‌ها، صرف‌نظر از تجمیع یا رقابتی بودن است و بیمه‌ها را به دلیل اینکه از کاهش هزینه‌ها منفعت می‌برند، به‌عنوان خریدار خدمت در نظر

اصلاح ساختار به‌صورت کلی همان اصل تفکیک تولید، ارائه خدمت و خریدار خدمت است تا در نتیجه تقابل این سه کارکرد، برآیندی مناسب و کارآمد برای مردم حاصل شود. همچنین ارائه خدمت توسط نهاد متولی (وزارت بهداشت) مضر است زیرا این نهاد را از انجام وظیفه اصلی خود باز می‌دارد چه رسد به این که این نهاد کارکرد خرید خدمت را هم انجام دهد.

حتی در دولت نیز مخالفانی مانند وزارت رفاه دارد. به‌هرحال اینکه دولت دوازدهم با انتخاب چه رویکردی می‌خواهد آن را ادامه بدهد؟ و مهم‌ترین چالشی که در آینده طرح پیش روی خود می‌بیند چیست؟ از سؤالاتی است که باید نامزدهای ریاست جمهوری بدان پاسخ دهند. مسیر افزایش منابع یا حفظ شاکله طرح همراه با انجام اصلاحات ساختاری.

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

راه حل جبران منابع مالی مورد نیاز برای ادامه طرح تحول سلامت چیست؟

از طریق کاهش هزینه‌های سلامت

از طریق تامین منابع مورد نیاز

۱. خبرگزاری صدا و سیما/ کد خبر: ۹۸۳۱۲۰

۲. مرکز آمار ایران/ حسابهای اقماری/ سلامت/ سال ۱۳۹۲

۳. سایت خبری تحلیلی عیارآنلاین/ کد خبر: ۲۱۴۸۰۶

۴. پایگاه اطلاع رسانی تامین اجتماعی/ کد خبر: ۲۰۹۹۶

۵. پرونده ویژه رصد خراسان در رابطه با نظام سلامت/ شماره ۳۱/ بهار ۱۳۹۵

سرنوشت مسکن مهر

۲۴

اقتصادی صحیح و عادلانه برای تأمین آن متناسب با «توانمندی اقتصادی خانوارها» و همچنین «معماری متناسب با فرهنگ عمومی جامعه» است. اهمیت موضوع مسکن به قدری است که اولین پیام اقتصادی اجتماعی امام خمینی (ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به این موضوع اختصاص یافته است و نشان می‌دهد از دیدگاه ایشان، تأمین مسکن محرومان اولویت اول برنامه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی قرار دارد. دولت‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی رویکردهای متفاوتی را برای حل مشکلات بخش مسکن اتخاذ کرده‌اند؛ اما به‌طور کلی می‌توان گفت در حوزه

یکی از نیازهای اساسی اقشار مختلف جامعه نیاز به خوراک، پوشاک و سرپناهی جهت سکنی گزیدن و زیستن در آن است. در واقع، داشتن مسکنی متناسب با نیاز همواره یکی از دغدغه‌های جدی همه مردم بوده است. به همین دلیل هم مسئله مسکن مناسب و تهیه سرپناه برای اقشار مختلف مردم، مطالبه‌ای عمومی از همه دولت‌ها بوده است. در اصول ۳، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی در بخش‌های مختلفی مسکن را به‌عنوان یکی از حقوق اصلی مردم مورد تأکید قرار داده است. مطابق این اصول قانون اساسی، مسکن جزو نیازهای اساسی خانوار است و دولت موظف به پی‌ریزی

در طرح مسکن مهر، زمین رایگان و تسهیلات به مردم داده شد و اشتغال‌زایی گسترده در فرایند تولید مسکن با حاکمیت دولت توسط پیمانکاران اتفاق افتاد و ارزش افزوده حاصل از تولید مسکن به مصرف‌کننده نهایی رسید.

زمین و مسکن همواره یکی از دو جهت‌گیری در ادامه خواهد آمد حاکم بوده است.

◆ رویکرد اول (نگاه مصرفی به مسکن):

در این رویکرد (که در برهه‌ای به عنوان رویکرد اصلی بخش مسکن حاکم بوده است)، مسکن به عنوان یک کالای مصرفی به علت وابستگی به زمین - به عنوان یک نهاده با منابع محدود - نیازمند کنترل و دخالت دولت در طرف عرضه و تقاضا به صورت همزمان است. بر این اساس قوانین حاکم بر بازار آزاد امکان دلالت کامل بر بخش مسکن را ندارند و برای جلوگیری از احتکار و سوداگری، دولت باید کنترل دقیقی بر سمت عرضه در بازار مسکن داشته باشد. مهمترین هدف دولت‌هایی که از این رویکرد پیروی کرده‌اند، کنترل قیمت مسکن و افزایش عرضه آن بوده است.

◆ رویکرد دوم (نگاه سرمایه‌ای به مسکن):

در این رویکرد، ضمن به رسمیت شناختن ورود حداکثری بخش خصوصی به بازار مسکن و آزاد بودن سوداگری، راه‌حل رفع نیاز مردم به مسکن را افزایش قدرت خرید متقاضیان، ذیل سیاست تحریک و تقویت تقاضا می‌داند. رویکرد فوق که مهمترین ابزار آن استفاده از وام‌های خرید است، افزایش قیمت مسکن را لزوماً به‌عنوان امری

نکوهیده تلقی نمی‌کند، بلکه معتقد است حتی افزایش سود سازندگان و افزایش قیمت مسکن به ورود بیشتر سرمایه به این بخش می‌انجامد. درواقع، رویکرد اول بیشتر

دو رویکرد برای حل مشکلات بخش مسکن وجود دارد: رویکرد اول بیشتر دربرگیرنده منافع عموم مردم است که بر ورود مستقیم دولت به همراه مشارکت مردم برای حل معضل مسکن، توجه دارد اما رویکرد دوم بر حضور حداقلی دولت در بخش مسکن تأکید دارد و به دنبال در بر گرفتن منافع بخش خصوصی، بسازبفروش‌ها و دلال‌ها است.

۲۵

◆ رونق و افزایش قیمت سهام صنایع وابسته به صنعت ساختمان در بورس

◆ افزایش سهم تولید صنعتی مسکن از ۳ درصد به ۲۰ درصد

در طرح مسکن مهر حدود ۷۰ درصد از هزینه‌های ساخت توسط بانک مسکن به صورت وام قرض‌الحسنه تأمین شده است و تنها ۳۰ درصد از هزینه ساخت بر عهده متقاضیان است. اجرای این سیاست باعث شده است تا آورده متقاضیان نیز صرف تولید و سرمایه‌گذاری شود. وضعیت کنونی مسکن مهر: بنا بر گزارش وزارت راه و شهرسازی، از مجموع ۲ میلیون و ۳۶۰ هزار واحد مسکن مهر دارای قرارداد، تا پایان سال ۱۳۹۴ مجموعاً ۱ میلیون و ۶۱۷ هزار واحد به فروش اقساطی رسیده است و همچنان حدود ۷۵۰ هزار خانوار چشم‌به‌راه تحویل مسکن خود هستند. این در حالی است که بسیاری از واحدهای مسکن مهر که به فروش اقساطی رسیده‌اند و دفترچه قسط آن‌ها صادر شده، هنوز به متقاضیان تحویل داده نشده است. در حالی که انتظار می‌رفت طبق وعده‌ای که دولت یازدهم و وزیر مسکن و شهرسازی مبنی بر اتمام واحدهای باقی‌مانده مسکن مهر داشتند، عزم جدی برای این کار وجود داشته باشد اما همچنان شاهد سردرگمی متقاضیان و نامعلوم بودن اتمام این پروژه هستیم. مهم‌ترین توجیه مدیران ارشد وزارت راه و شهرسازی برای پیشرفت کند طرح مسکن مهر در دولت یازدهم، کمبود منابع است؛ به گونه‌ای که اعتبار ماهیانه تخصیص‌یافته به این طرح از ۶۰۰ میلیارد تومان در تیر ۹۲ به ۸۰ میلیارد تومان در دی‌ماه ۹۳ کاهش یافته است. این در حالی

در طرح مسکن مهر، زمین رایگان و تسهیلات به مردم داده شد و اشتغال‌زایی گسترده در فرایند تولید مسکن با حاکمیت دولت توسط پیمانکاران اتفاق افتاد و ارزش‌افزوده حاصل از تولید مسکن به مصرف‌کننده نهایی رسید. در راستای ایجاد زمینه‌های قانونی لازم برای اجرای طرح مسکن مهر، ابتدا در بودجه سال ۱۳۸۶ بر تأمین مسکن مناسب برای آحاد ملت به خصوص اقشار کم‌درآمد تأکید شد. سپس دولت، لایحه یک‌فوریتی «ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن» را خردادماه ۱۳۸۶ به مجلس شورای اسلامی تقدیم کرد و این لایحه در اردیبهشت ۱۳۸۷ به تصویب مجلس رسید. در گام اول ثبت‌نام از متقاضیان واجد شرایط، بیش از ۳ میلیون ثبت‌نام کردند. که از این تعداد حدود نیمی از آن‌ها (۱،۵ میلیون متقاضی) برای مسکن مهر تأیید شدند و تخصیص بودجه برای اجرای این طرح در دستور کار دولت قرار گرفت. در این گام تعیین شد حدود ۲،۳ میلیون واحد مسکن در مناطق شهری احداث شود که تاکنون حدود ۱،۵ میلیون واحد آن تحویل داده شده است. علاوه بر این، اجرای این طرح دستاوردهای دیگری نیز داشت مانند:

◆ اشتغال‌زایی مستقیم و غیرمستقیم برای بیش از ۲ میلیون نفر در سال

◆ نقش مؤثر در افزایش نرخ رشد اقتصادی کشور و جلوگیری از منفی شدن رشد اقتصادی کشور در شرایط تحریم

◆ جلوگیری از رسیدن تورم عمومی به ۵۰ درصد در شرایط افزایش شدید نرخ ارز و اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها

در هر صورت، وضعیت نامطلوب پیشرفت طرح مسکن مهر در دولت یازدهم موجب تجمعات مکرر متقاضیان این طرح در مقابل مجلس شورای اسلامی و سایر نهادهای متولی از سال ۱۳۹۳ تاکنون شده است زیرا این طرح که قرار بود در ماه‌های ابتدایی دولت یازدهم به پایان برسد، تا پایان امسال نیز تکمیل نخواهد شد و حال باید دید دولت بعدی چه سیاستی درباره این طرح اتخاذ خواهد کرد.

است که مطابق با آمارهای ارائه‌شده، تا اواسط تابستان سال جاری ۱۰ هزار و ۱۵۴ میلیارد تومان اقساط بازگشتی مسکن مهر (از طرف مردم به بانک مسکن) بوده است که در اختیار مدیران این وزارتخانه قرار داشته است. اما این مبالغ به‌جای هزینه شدن برای تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام مسکن مهر، صرف پرداخت بدهی بانک مسکن به بانک مرکزی و افزایش وام خرید مسکن شده است.



بررسی اهمیت محدودیت واردات کالاهای دارای مشابه داخلی در ایجاد اشتغال

بیخیال غاز همسایه!

معضل بیکاری یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی کشور در دو دهه اخیر بوده است. علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در دولت‌های مختلف، از سال ۷۶ تاکنون همواره نرخ بیکاری بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده است. مرکز آمار ایران در سال ۹۴ نرخ بیکاری را ۱۱ درصد گزارش کرده است، که نشان می‌دهد در این سال حدود ۲ میلیون و ۷۳۰ هزار نفر از جمعیت فعال کشور بیکار بوده‌اند. همچنین آمارها نشان می‌دهند که در سال ۹۴ نرخ جوانان بیکار ۱۵ تا ۲۹ ساله که اغلب فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بوده‌اند در وضعیت حادتری قرار داشته و حدود ۲۵ درصد بوده است. این در حالی است که اشتغال و بخصوص اشتغال جوانان یکی از

مهم‌ترین پیش‌نیازهای تشکیل خانواده و عوامل پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است. به عبارت دقیق‌تر، اعتیاد، فساد و خدشه‌دار شدن کرامت و عزت انسانی، تأخیر در ازدواج و حتی طلاق از جمله پیامدهای فردی و اجتماعی مهم و گسترده ناشی از بیکاری محسوب می‌شود. با توجه به حساسیت این موضوع، در اصول ۳، ۲۸ و ۴۳ قانون اساسی، وظایف مهمی در زمینه اشتغال بر عهده دولت‌ها قرار داده شده است. از دیدگاه مسئولین و کارشناسان، کلید اصلی حل مسئله اشتغال در کشورمان تقویت تولید ملی با محوریت صنایع کوچک و متوسط است. یکی از لوازم اصلی تحقق این امر، کاهش ریسک بازار برای تولیدکنندگان داخلی است.

کلید اصلی حل مسئله اشتغال در کشورمان تقویت تولید ملی با محوریت صنایع کوچک و متوسط است. یکی از لوازم اصلی تحقق این امر، کاهش ریسک بازار برای تولیدکنندگان داخلی است.

داخلی است؛ زیرا عمده این تولیدکنندگان در حوزه‌های مختلف مانند لوازم خانگی، پوشاک، کفش و محصولات کشاورزی رقیب جدی به نام واردات را در کنار خود دارند و همین موضوع، یکی از عوامل اصلی عدم رونق تولید داخلی و رکود اقتصادی کشور است. در حال حاضر، بخش زیادی از بازار داخلی کشورمان در این حوزه‌ها در اختیار واردکنندگان اعم از واردکنندگان رسمی یا قاچاقچیان قرار دارد و این افراد و گروه‌ها که بسیاری از هزینه‌های تولیدکنندگان داخلی از جمله مالیات را نمی‌پردازند، موفق به تصاحب بخش زیادی از بازار داخل کشور شده‌اند. در نتیجه، بسیاری از واحدهای تولیدی داخلی به وضعیت نیمه تعطیل و یا حتی تعطیلی کامل (ورشکستگی) رسیده‌اند و عملاً ظرفیت‌های آن‌ها بلااستفاده مانده است. به همین دلیل، سرمایه‌گذاران هم انگیزه چندانی برای سرمایه‌گذاری در صنایع کوچک و متوسط ندارند. باین وجود، دولت‌ها تاکنون موفقیت چندانی در زمینه محدودسازی واردات نداشته‌اند زیرا اولاً با توجه به درآمدهای نفتی بالا، ساختار اقتصادی کشور «واردات محور» است و نه «تولید محور»، ثانیاً منافع افراد و گروه‌های زیادی با واردات پیوند خورده است و آن‌ها حاضر به رها کردن امتیازهایی مانند حق دلالی (پورسانت) واردات و سفرهای خارجی مرتبط با آن نیستند و در مقابل محدودیت‌های وارداتی مقاومت می‌کنند.

یکی از راهکارهای مهم کاهش ریسک بازار برای تولیدکنندگان داخلی، محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی از طریق ممنوعیت خرید این کالاها به صورت مستقیم (واردات) یا غیرمستقیم (باواسطه) توسط بخش دولتی است. چراکه دستگاه‌های دولتی مصرف‌کننده بخش زیادی از این کالاها هستند.

به‌عنوان مثال، معمولاً بازرگانان و برخی از تشکل‌های صنفی مرتبط با آن‌ها نمایندگانی در بدنه مدیریتی دولت‌های مختلف داشته و دارند، که جزو مخالفان جدی محدودیت‌های

از بازار محصولاتشان در داخل کشور حاکی از تداوم واردات گسترده این کالاها و خرید آن‌ها توسط دستگاه‌های دولتی است. تنها استثنا در این زمینه، وزارت جهاد کشاورزی است. با تلاش‌های مسئولان این وزارتخانه و در راستای اجرای قانون تمرکز وظائف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی، وضعیت واردات محصولات اساسی کشاورزی مانند گندم در دولت یازدهم به مراتب بهتر از گذشته است. یعنی هم تولید داخلی این کالاها افزایش چشمگیری یافته است و هم واردات آن‌ها محدود شده است. کارشناسان معتقدند که یکی از دلایل مهم اجرایی نشدن قوانین مرتبط با محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی از طریق ممنوعیت خرید این کالاها توسط دستگاه‌های دولتی، لابی قدرتمند واردکنندگان در دستگاه‌های اجرایی کشور و حتی حضور برخی از این افراد در مناصب دولتی است. این افراد هیچ علاقه‌ای ندارند که پورسانت‌های چرب و نرم واردات را از دست بدهند. یکی دیگر از دلایل این موضوع نبود برخی زیرساخت‌های اجرای این قوانین است. به‌عنوان مثال، هنوز زیرساخت اطلاعاتی جامع و مطمئنی درباره تولیدات داخلی وجود ندارد و همین موضوع سبب شده است که بعضاً کالاهای خارجی به اسم تولیدات داخلی وارد و در بازارهای داخلی عرضه شوند. این وضعیت در حالی به وجود آمده است که هم ریسک این اقدام برای تقویت

مشابهی که به نحوی از انحاء از بودجه عمومی یا دولتی استفاده می‌کنند، ممنوع است. البته در مصوبه جدید هیچ اشاره‌ای به فهرست کالاهای ممنوعه نشده است. در هر صورت، این مصوبات چندان اجرایی نشد و واردات کالاهای مشابه داخلی مانند واردات محصولات اساسی کشاورزی هم‌زمان با اوج‌گیری درآمدهای نفتی در دولت دهم، به اوج خود رسید. دولت یازدهم نیز در تاریخ ۳ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۳ مصوبه جدیدی در این زمینه با عنوان «ممنوعیت خرید کالاهای خارجی (اعم از کالای ساخته‌شده، قطعات، ملزومات، تجهیزات و غیره تحت هر عنوان) دارای تولید مشابه داخلی» به تصویب رساند؛ که بر اساس آن، خرید ۱۸۳ قلم کالا (مطابق با لیست پیوست این مصوبه) برای «تمامی دستگاه‌های دولتی و سایر دستگاه‌ها، نهادها و عناوین مشابهی که به نحوی از بودجه عمومی یا دولتی استفاده می‌کنند»، ممنوع شد. در تاریخ ۱۱ مردادماه ۱۳۹۴ هم به پیشنهاد وزارت صنعت، معدن و تجارت، مصوبه قبلی دولت یازدهم در زمینه ممنوعیت خرید کالاهای خارجی دارای تولید مشابه داخلی تکمیل شد و ۱۸۱ قلم کالای جدید به لیست کالاهای ممنوعه اضافه شدند. تاکنون دولت یازدهم گزارشی از نحوه اجرای مصوبات خود در زمینه محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی از طریق ممنوعیت خرید این کالاها توسط دستگاه‌های دولتی را منتشر نکرده است. متأسفانه

همچنان بازارهای داخلی مملو از کالاهای وارداتی دارای مشابه داخلی است. بعلاوه سایر اطلاعات مرتبط مانند حجم واردات و همچنین تحلیل تولیدکنندگان داخلی

یکی از دلایل مهم اجرایی نشدن قوانین مرتبط با محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی از طریق ممنوعیت خرید این کالاها توسط دستگاه‌های دولتی، لابی قدرتمند واردکنندگان در دستگاه‌های اجرایی کشور و حتی حضور برخی از این افراد در مناصب دولتی است.

تولید ملی و افزایش اشتغال به مراتب کمتر از ریسک توزیع وام‌های کلان بین واحدهای تولیدی است (راهکار موردعلاقه دولت‌های مختلف) و هم راندمان این کار به مراتب بیشتر از راندمان روش مذکور است. بدون تردید، رونق بازار تولیدکنندگان داخلی، یکی از راهبردهای اصلی دولت آینده برای حمایت از تولید و افزایش اشتغال‌زایی و خروج از رکود است. حال باید رئیس دولت دوازدهم انتخاب کند که می‌خواهد محدودیت واردات کالاهای مشابه داخلی از طریق ممنوعیت خرید این کالاها توسط دستگاه‌های دولتی را به‌عنوان راهکار اولویت‌دار خود برای اشتغال‌زایی انتخاب کند و هزینه‌های سیاسی و اجتماعی اجرای این قانون را بپردازد یا روند نامطلوب موجود در این زمینه تداوم خواهد یافت؟

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

با محدودیت واردات کالاهای داخلی مشابه داخلی موافقت می‌کنید؟

موافق

مخالف

تاملی بر چگونگی مشارکت مردم در آموزش و پرورش

دکان‌داری در آموزش

۳۲

سیاست‌های گسترش کمی و کیفی آموزش و پرورش سه رویکرد کلی دنبال شده است:

رویکرد اول: تمرکز بر توسعه مدارس دولتی که در زمان شهید رجایی به اوج رسید. در این دوره تمام هم‌وغم مسئولین افزایش کمی و کیفی مدارس دولتی بود. مدارس غیردولتی موسوم به «مدارس مّلی» برچیده شدند، آموزش رایگان به مقطع دبیرستان توسعه یافت و تلاش‌ها برای ساخت مدارس در مناطق محروم آغاز شد تا دسترسی همه آحاد جامعه به حق آموزش رایگان فراهم گردد.

تعلیم و تربیت یکی از نیازهای اساسی انسان و جوهر اصلی وظایف حکومت اسلامی است. آموزش و پرورش کالایی عمومی است که تأمین باکیفیت آن برای همه افراد جامعه، از راه‌های اصلی برقراری عدالت و تأمین اجتماعی است. بر این اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۳۰، حق آموزش و پرورش رایگان را تا پایان دوره متوسطه برای همه تضمین و ذیل اصل ۴۳ آموزش و پرورش را از نیازهای اساسی تعریف کرده است.

در سال‌های پس از انقلاب، در

باگذشت یک دهه از آغاز انقلاب و در سال ۶۷، با تصویب قانون مدارس «غیرانتفاعی» فصل جدیدی از گسترش خدمات آموزشی آغاز شد و توسعه مدارس پولی در دستور قرار گرفت.

می‌داند. در چنین نگاهی مدرسه به‌عنوان یک «بنگاه اقتصادی خصوصی» قلمداد می‌شود که همانند دیگر بنگاه‌های خصوصی، تلاش اصلی برای کسب منفعت بیشتر است (انتفاع). ضمن اینکه تمام درآمدهای حاصله به مؤسس (اشخاص حقیقی یا حقوقی) تعلق دارد و تصمیم‌گیری در خصوص نحوه هزینه کرد آن نیز بر عهده ایشان است.

بنا به تجربه، در مدارس غیردولتی، اهداف پرورشی در عمده مدارس به‌ویژه در مقاطع متوسطه و نزدیک شدن به کنکور در حاشیه قرار می‌گیرد و آماده‌سازی دانش‌آموزان برای کنکور به‌عنوان محور فعالیت‌ها تعریف می‌شود؛ هرچند این مشکل در اغلب مدارس اعم از دولتی و غیردولتی وجود دارد اما در مدارس غیردولتی پررنگ‌تر است. (رویگرد تربیت تک‌ساحتی)؛ امری که با سند تحول بنیادین نیز همخوانی ندارد.

رویگرد سوم: گسترش خدمات آموزش و پرورش با تأکید بر «مشارکت مردم (مردمی‌سازی)». این رویکرد مشارکت را محدود به وجه اقتصادی نمی‌داند و بعلاوه غیرانتفاعی بودن نیز مورد توجه است. یکی از

رویگرد دوم: باگذشت یک دهه از آغاز انقلاب و در سال ۱۳۶۷، با تصویب قانون مدارس «غیرانتفاعی» فصل جدیدی از گسترش خدمات آموزشی آغاز شد و توسعه مدارس پولی در دستور قرار گرفت. بنا به سابقه تاریخی مدارس غیردولتی و محوریت افراد و گروه‌های مذهبی در تأسیس و اداره این مدارس پیش از انقلاب اسلامی و پس‌از آن، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری (رئیس‌جمهور وقت) از مشارکت افراد صلاحیت‌دار در حوزه تعلیم و تربیت و تأسیس مدارس ذیل سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش حمایت نمودند و البته ملاحظاتی را نیز در این رابطه مورد تأکید قرار دادند، از جمله: «غیرانتفاعی بودن و عدم نگاه بازاری» و «فعالیت بر اساس سیاست‌های وزارت آموزش و پرورش و تحت نظارت کامل آن». بعد از دو دهه فعالیت و رونق نسبی این مدارس، در سال ۸۷، اصلاحاتی بر قانون مذکور اعمال شد که مهم‌ترین آن تغییر عنوان مدارس از «غیرانتفاعی» به «غیردولتی» بود که از تغییر رویکرد این مدارس به سمت «انتفاع» مؤسسين خبر می‌داد و مفاد قانون مذکور نیز متناسب با همین وجه تغییر یافت.

به‌طور کلی رویکرد غالب در این دوره را می‌توان توسعه مدارس غیردولتی دانست که البته در دولت یازدهم نیز بر آن تأکید زیادی شده است. در واقع این رویکرد راه دستیابی به تعلیم و تربیت باکیفیت را تأسیس مدارس انتفاعی

از آغاز دولت یازدهم تاکنون، تعداد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی رشد حدود ۱۰۰ درصدی داشته است. این رشد سریع در حالی است که منظور از «مشارکت مردمی» کمتر تصریح شده و مشارکت نیز بیشتر به جنبه اقتصادی محدود شده است.

از میان این رویکردها، آنچه به‌خصوص در سال‌های اخیر مورد توجه مسئولین قرار گرفته است، توسعه مدارس غیردولتی با شعار افزایش مشارکت در امر تعلیم و تربیت است. بر اساس سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۲ تعداد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی برابر است با «۱,۰۸۰,۰۶۰» نفر بود. طبق اعلام رئیس سازمان مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۵ حدود ۲ میلیون دانش‌آموز در مدارس غیردولتی تحصیل می‌کنند.^۱ به عبارت دیگر از آغاز دولت یازدهم تاکنون، تعداد دانش‌آموزان مدارس غیردولتی رشد حدود ۱۰۰ درصدی داشته است. این رشد سریع در حالی است که منظور از «مشارکت مردمی» کمتر تصریح شده و مشارکت نیز بیشتر به جنبه اقتصادی محدود شده است. رویکردی که بعضاً مخالفت کارشناسان این حوزه را در پی داشته است.

به همین جهت دولت دوازدهم برای تحقق اهداف و برنامه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش و پرورش نیازمند تعیین دقیق مسیر خود در این عرصه است. اینکه رئیس‌جمهور آینده کدام‌یک از سه رویکرد فوق را به‌عنوان اولویت آموزش و پرورش قرار می‌دهد امر بسیار مهمی است.

مصادیق اصلی چنین رویکردی را می‌توان در «مدارس هیئت‌امنائی» دانست که به‌طور جدی از اواسط دهه ۹۰، در نظام آموزش و پرورش ایران پیاده‌سازی شد. هرچند گستره اجرای آن به لحاظ کمی محدود بوده است و بر اساس آمارها، در سال ۱۳۹۲ حدود ۱,۷ درصد از کل مدارس کشور به‌صورت هیئت‌امنائی اداره می‌شدند.^۱

در این الگو، مدیریت تربیتی و مالی مدارس به هیئت‌امنائی از فرهنگیان، معتمدان محلی و والدین سپرده می‌شود و تأمین مالی، مالکیت مدرسه و نظارت بر کیفیت خدمات در دست دولت باقی می‌ماند. هرچند ارزیابی دقیقی از عملکرد این مدارس منتشر نشده است و در مواردی هم انحرافات از اهداف اولیه آن مانند دریافت شهریه اجباری وجود دارد، اما در مجموع کارشناسان این الگو را یکی از رویکردهای مناسب در توسعه کمی و کیفی در آموزش و پرورش می‌دانند که با سیاست‌های کلان کشور و قانون اساسی نیز هم‌خوانی دارد؛ به‌ویژه این که ضمن افزایش مشارکت مردم و حفظ جایگاه حاکمیتی آموزش و پرورش، افزایش کیفیت را هم به نسبت به دنبال داشته است. تا جایی که برخی مسئولین، هیئت‌امنائی کردن واقعی مدارس را از جمله گام‌های بزرگ برای ایجاد تحول در آموزش و پرورش عنوان می‌کنند.^۲

۱. سالنامه آماری وزارت آموزش و پرورش ۱۳۹۲-۹۳

۲. سایت خبری تحلیلی عیار آنلاین/ کد مطلب: ۱۸۵۹۵۱

۳. خبرگزاری صدا و سیما/ کد خبر: ۱۳۰۸۱۱۷

سوالاتی که نامزدکما باید پاسخ دهند

رویکرد درست را در افزایش کیفیت آموزش و پرورش چه می دانید؟

تقویت مدارس دولتی و هیأت امنایی

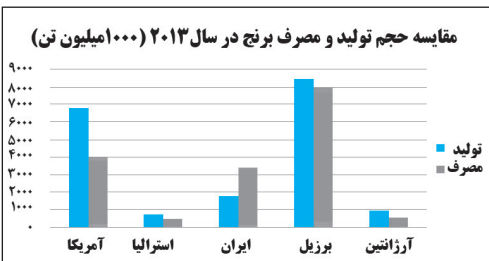
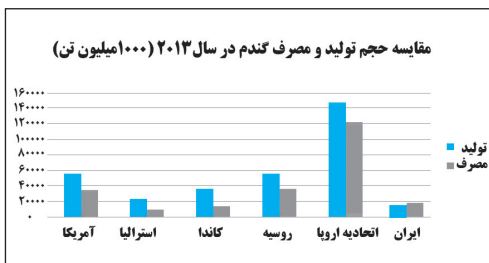
تقویت مدارس غیردولتی انتفاعی

بررسی اقدامات وزارت جهاد کشاورزی در جهت خودکفایی محصولات اساسی

شرح حال خودکفایی

۳۶

حالیکه جمهوری اسلامی ایران در تامین هر دو کالا نیازمند واردات است.



منبع: سایت indexmundi.com

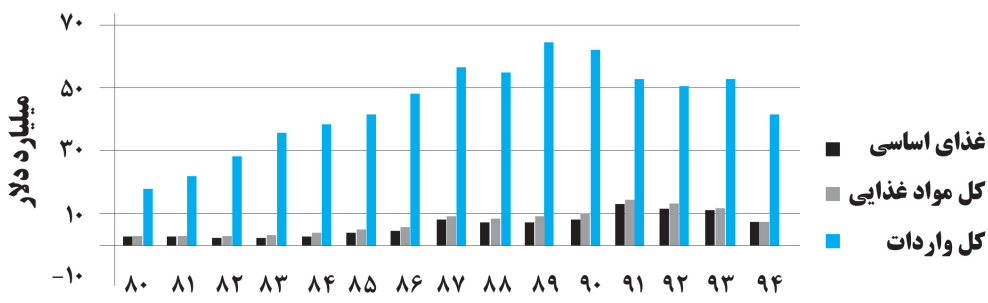
تأمین غذاهای اساسی راهبردی است که بیشتر کشورهای قدرتمند جهان به آن اهتمام ورزیده‌اند. کشورهای غربی علیرغم همکاری‌های اقتصادی گسترده با یکدیگر، در تأمین غذای اساسی خود به دیگری تکیه نکرده‌اند. برای نمونه در نمودار زیر حجم تولید و مصرف برنج و گندم که از جمله غذاهای اساسی هستند در ایران و برخی نقاط جهان نمایش داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود کشورهای پیشرو بسیار بیشتر از نیازشان این دو محصول را تولید می‌کنند؛ در

طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۹۴، واردات غذای اساسی به طور پیوسته کاهش یافته است، که یکی از دلایل اصلی آن اقدامات وزارت جهاد کشاورزی برای افزایش تولید محصولات اساسی بوده است.

سال ۹۱ به ۷,۳ میلیارد دلار در سال ۹۴ رسیده است. این روند می‌تواند به دلایل مختلفی از جمله کاهش درآمدهای نفتی کشور رخ داده باشد اما به‌طور قطع نقش برنامه‌ها و اقدامات صورت گرفته برای افزایش تولید محصولات اساسی در داخل کشور نیز در آن مؤثر بوده است. از جمله می‌توان به افزایش اختیارات وزارت جهاد کشاورزی در کنترل واردات محصولات کشاورزی و حمایت از تولیدکنندگان داخلی اشاره کرد که با اجرایی شدن قانون

بررسی‌ها نشان می‌دهد طی سال‌های گذشته علی‌رغم اقدامات صورت گرفته، تولید غذاهای اساسی به وضعیت مطلوب نرسیده و واردات به‌عنوان راه‌کار تأمین این محصولات در دستور کار قرار گرفته؛ بگونه‌ای که بخش مهمی از واردات کشور به غذای اساسی اختصاص یافته است. در نمودار زیر واردات غذا و غذای اساسی در مقایسه با واردات کل کشور طی سالهای ۸۰ تا ۹۴ نمایش داده شده است.

میزان واردات غذا و غذای اساسی در مقایسه با واردات کل کشور طی سالهای ۸۰ تا ۹۴



منبع: گمرک جمهوری اسلامی ایران

تمرکز وظایف و اختیارات مربوط به بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی صورت گرفت. همچنین باید به طرح جهاد کشاورزی برای خودکفایی در ۸ محصول اساسی اشاره کرد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

همانطور که مشاهده می‌شود طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به‌طور متوسط بیش از ۸۷ درصد از کل واردات غذای کشور به غذاهای اساسی اختصاص یافته است. با این وجود طی این سال‌ها واردات غذای اساسی بطور پیوسته کاهش یافته و از ۱۲,۶ میلیارد دلار در

◆ قانون تمرکز وظایف و اختیارات وزارت جهاد کشاورزی

آیین‌نامه اجرایی قانون تمرکز در اسفندماه سال ۱۳۹۲ از سوی دولت ابلاغ گردید و مدیریت تجارت اعم از صادرات، واردات و تنظیم بازار داخلی محصولات و کالاهای اساسی زراعی، باغی و گیاهان دارویی به وزارت جهاد کشاورزی واگذار شد. این قانون به وزارت جهاد اجازه می‌دهد تا سیاست‌های بازرگانی در بخش کشاورزی را با سیاست‌های تولیدی هماهنگ کرده و برآیند را به نفع تولید جهت دهد.

وزارت جهاد کشاورزی توانست با اعمال تعرفه ۴۰ درصدی بر واردات برنج در سال‌های ۹۳ و ۹۴، ضمن کم‌کردن فاصله قیمت برنج خارجی و داخلی^۱، واردات حجمی آن را نیز کاهش دهد. به طوریکه آمارها کاهش حدود ۶۰ درصدی واردات برنج را در سال ۹۴ نسبت به سال ۹۲ نشان می‌دهند.

اعطای مجوز واردات شکر به تولیدکنندگان آن از دیگر اقدامات جهاد کشاورزی در راستای این قانون بود که تلاش کشاورزان برای تولید ۱۰۰ درصدی چغندرقند و کاهش ۷۰ درصدی واردات شکر بین سال‌های ۹۲ تا ۹۴ را به همراه داشت^۲. مشروط کردن واردات دانه‌های روغنی و روغن خام به خرید از تولیدکننده داخلی، از دیگر اقدامات وزارت جهاد بود که از سال ۹۴ اجرا شد. بر این

اساس، واردکنندگان روغن خام به ازای خرید هر کیلوگرم دانه‌های روغنی اجازه واردات ۴ کیلوگرم روغن خام را خواهند داشت.

◆ اجرای طرح خودکفایی در ۸ محصول اساسی توسط وزارت جهاد کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی ۸ طرح جداگانه برای دستیابی به هدف خودکفایی در ۸ محصول اساسی طراحی نمود. ۸ محصول اساسی عبارت‌اند از: برنج، جو، گندم، حبوبات، پنبه، چغندرقند، ذرت و دانه‌های روغنی.

طرح خودکفایی گندم

گندم مهم‌ترین غذای اساسی است که قوت غالب مردم ایران را تشکیل می‌دهد. در سال‌های اخیر بخش مهمی از آن از طریق واردات تأمین شده و وابستگی زیادی به خارج وجود داشته است. طبق آمار گمرک، با شروع به کار دولت یازدهم، واردات گندم، ۱،۴ میلیارد دلار بود که در سال ۹۵ این مقدار به ۴۳۲ میلیون دلار کاهش یافت.

وزارت جهاد کشاورزی علاوه بر کنترل واردات و تلاش برای قیمت‌گذاری مناسب جهت خرید تضمینی در فصل برداشت، طرح خودکفایی گندم را نیز اجرا کرد. این طرح از سال ۱۳۹۲ و با تعیین مجری برای این طرح آغاز شد و در همان سال نخست ۷۵۰ میلیارد تومان تسهیلات به‌منظور خرید ادوات کشاورزی در اختیار کشاورزان قرار گرفت. این تسهیلات

باهداف رسیدن به ضریب خودکفایی ۷۰ درصدی در تولید دانه‌های روغنی از سال ۹۳ طرحی ۱۰ ساله را در این زمینه آغاز کرده است.^۴ در این طرح بیشترین حمایت از کشت کلزا صورت می‌گیرد که در نتیجه آن تولید این محصول در سال ۹۵ نسبت به سال ۹۴، ۶۰ درصد رشد کرده است.^۵ دیگر

اقدامات صورت گرفته در این طرح عبارتند از:

- پرداخت ۵۰ درصدی یارانه خرید دستگاه کارنده بذر کلزا در سال ۹۵ به کشاورزان.

- پرداخت یارانه بذر، بیمه، تأمین ادوات کشاورزی، آموزش رایگان، تدارک کود، بذر، سم و خرید آسان و پرداخت به‌موقع پول کشاورزان.

طرح خودکفایی چغندر قند:

بنا به گفته مسئولان این طرح هدف از اجرای آن رسیدن کشور به ضریب خودکفایی ۹۵ درصد در تولید شکر در سال ۱۴۰۴ است. با توجه به این موضوع که تولید چغندر در هر هکتار برای سه نفر ایجاد اشتغال می‌کند، مسئولان، اشتغال‌زایی را یکی از نتایج مهم اجرای این طرح می‌دانند. بنا بر گفته کارشناسان، وزارت جهاد کشاورزی با استفاده از اختیارات خود در سال‌های اخیر همزمان با حمایت از تولیدکنندگان چغندر قند، محدودیت‌های

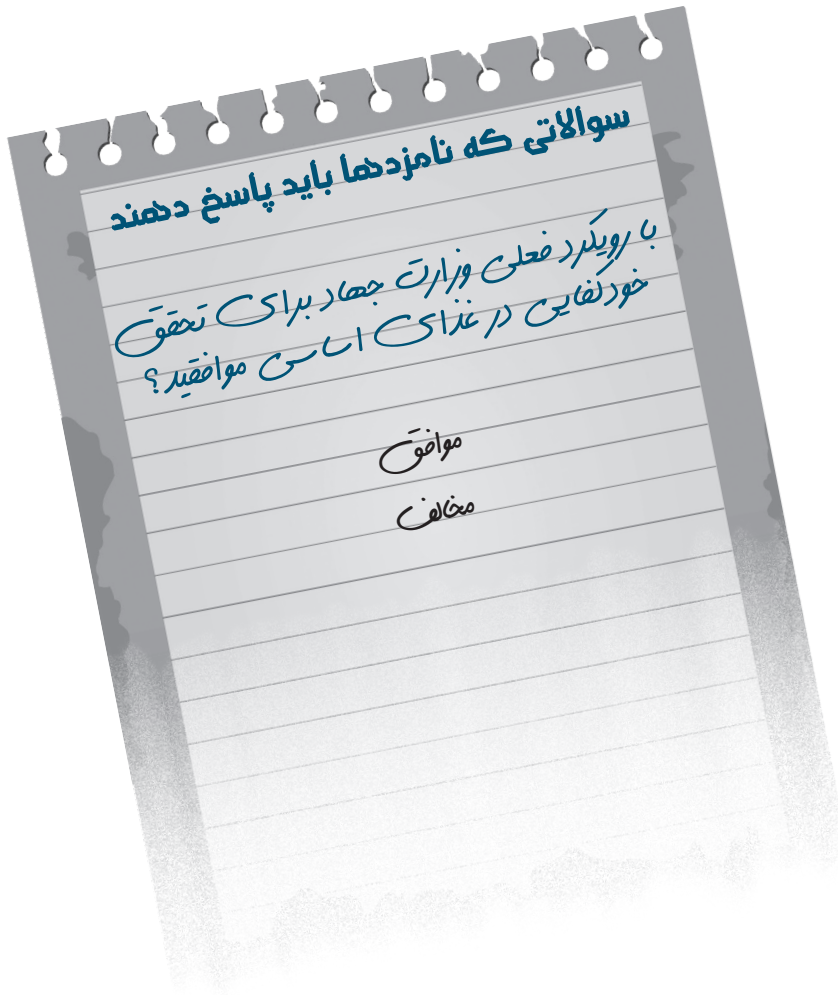
وزارت جهاد کشاورزی ۸ طرح جداگانه برای دستیابی به هدف خودکفایی در ۸ محصول اساسی طراحی نمود. ۸ محصول اساسی عبارت‌اند از: برنج، جو، گندم، حبوبات، پنبه، چغندر قند، ذرت و دانه‌های روغنی.

در سال‌های ۹۳ با ۸۰۰ میلیارد تومان و سال ۹۴ با ۱۰۰۰ میلیارد تومان ادامه یافت. بعلاوه در این طرح بیش از ۴۰۰ هزار تن بذر فراوری، اصلاح و گواهی‌شده در مناطق سرد توزیع شد. این اقدامات سبب شد تا تولید گندم با رشدی ۱۲۰ درصدی، از ۶،۶ میلیون تن در سال ۹۲ به ۱۴،۵ میلیون تن در سال ۹۵ افزایش یابد.^۳ البته عدم پرداخت پول کشاورزان و اعلام دیرهنگام قیمت خرید تضمینی از جمله چالش‌هایی است هر یک به‌تنهایی می‌تواند طرح خودکفایی را با چالش جدی مواجه کند.

طرح خودکفایی دانه‌های روغنی:

میزان مصرف روغن در ایران سالانه حدود یک میلیون و دویست هزار تن است. در سال‌های اخیر به طور متوسط ۹۴ درصد از این مقدار از طریق واردات تأمین می‌شود. به گفته کارشناسان برای تولید روغن خام موردنیاز کشور باید حدود ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار تن انواع دانه‌های روغنی در کشور تولید و یا به کشور وارد شود. وزارت جهاد

جدی برای واردات شکر ایجاد کرده است. برای تعیین خط‌مشی خود در بخش کشاورزی دولت یازدهم رویکرد مشخصی در تحقق ناگزیر به تعیین نسبت خود با رویکرد و خودکفایی غذای اساسی داشته و دولت دوازدهم برنامه‌های فوق است.



۱. خبرگزاری تسنیم/ کد خبر: ۹۵۰۹۵۹
۲. خبرگزاری فارس/ کد خبر: ۱۳۹۵۰۴۰۶۰۰۰۵۷۷
۳. خبرگزاری مهر/ کد خبر: ۲۹۲۱۱۹۴
۴. خبرگزاری فارس/ کد خبر: ۱۳۹۴۱۱۱۷۰۰۰۱۶۰
۵. خبرگزاری ایانا/ کد خبر: ۳۳۶۳۷

بررسی روند پرپیچ و خم اجرای بیمه زنان خانه‌دار

ارزش خانه‌داری

۴۱

زنان خانه‌دار برخلاف میزان تأثیری که در جامعه دارند تاکنون جایگاهی در سیاست‌های ارتقای رفاه اجتماعی نداشته‌اند، در نتیجه ضروری است که ارتقای مادی و معنوی آنان در بستر خانواده به‌طور ملموسی پیگیری شود.

مهم‌تر حمایت در دوران بارداری و تربیت فرزند هستند. زنان خانه‌دار با بذل عمر خود برای پرورش فرزندان و حمایت از همسر، آینده‌ی مادی نامشخصی دارند چراکه حمایت مناسب فرزندان از آنان در دوران سالمندی، از کارافتادگی و بیماری، تضمین شده نیست. همچنین به‌هیچ‌عنوان قابل قبول و منطقی نیست که برای زنان خانه‌دار بعد از یک‌عمر تلاش و خدمت مثلاً در دوران پیری مشکل اقتصادی ایجاد شود. به‌علاوه زنان خانه‌داری که تحت تکفل بیمه‌ی

از حیث جمعیت، جایگاه اجتماعی، تأثیرگذاری بر اجتماع و پایداری خانواده، زنان خانه‌دار از مهم‌ترین اقشار یک جامعه محسوب می‌شوند. آنان وظایف خطیر و حساس حفظ خانواده، حمایت از همسران و پرورش نسل را بر عهده دارند و بنابراین توجه به حقوق اجتماعی آن‌ها یک امر ضروری است. زنان خانه‌دار با جمعیت ۲۱ میلیون نفری حدود ۵۵ درصد از جمعیت زنان کشور را تشکیل می‌دهند^۱ که نیازمند حمایت در زمینه بازنشستگی، از کارافتادگی و از همه

۱. سالنامه آماری کشور-سال ۱۳۹۲، فصل‌های ۳-جمعیت) و ۴ (نیروی انسانی)

درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای همه افراد تأمین کند. به‌علاوه در برخی بندهای اصل ۲۱ قانون اساسی آمده است: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

◆ ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.

◆ حمایت مادران، بخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.

◆ ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سال‌خورده و بی‌سرپرست.»

بیمه‌ی اجتماعی به مفهوم عام خود برنامه‌ای است که طی آن افراد یک اجتماع با پرداخت حق بیمه از جانب خود، کارفرما، دولت یا یک ارگان حمایتی، در صورت تحقق شرایط و وقوع خطراتی مانند بیماری، بیکاری، سالمندی، ازکارافتادگی و فوت حمایت می‌شوند. این بیمه به‌طور ویژه برای زنان خانه‌دار یک حق قانونی است که سابقه‌ی پیگیری آن در دولت‌های گذشته به سال ۱۳۷۸ برمی‌گردد.

هیئت دولت در تصویب‌نامه‌های ویژه در سال ۱۳۷۸ سازمان تأمین اجتماعی را موظف کرد طرح بیمه زنان خانه‌دار را تهیه و تدوین کند. این طرح

همسر خود نیستند، در مواقع بروز بیماری، بارداری، زایمان و ازکارافتادگی نباید دغدغه‌ی هزینه‌های درمانی و مراقبتی را داشته باشند. در همین راستا، زنان خانه‌دار باید تحت پوشش حمایت‌های بیمه سلامت و بیمه بازنشستگی قرار بگیرند تا بتوانند با فراغ بال از این شرایط به‌راحتی عبور کنند. در کنار عوامل فوق که حق طبیعی یکایک افراد هر جامعه است، ضرورت ارج نهادن به جایگاه زنان خانه‌دار، به‌عنوان مهم‌ترین قشر جامعه با کم‌ترین میزان بهره‌مندی از امکانات عمومی مطرح است. زنان خانه‌دار برخلاف میزان تأثیری که در جامعه دارند تاکنون جایگاهی در سیاست‌های ارتقای رفاه اجتماعی نداشته‌اند، در نتیجه ضروری است که ارتقای مادی و معنوی آنان در بستر خانواده به‌طور ملموسی پیگیری شود. اصل ۲۹ قانون اساسی تصریح می‌کند: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به‌صورت بیمه و غیره، حقی همگانی است. طبق قوانین، دولت موظف است از محل درآمدهای عمومی و

بیمه‌ی اجتماعی به مفهوم عام خود برنامه‌ای است که طی آن افراد یک اجتماع با پرداخت حق بیمه از جانب خود، کارفرما، دولت یا یک ارگان حمایتی، در صورت تحقق شرایط و وقوع خطراتی مانند بیماری، بیکاری، سالمندی، ازکارافتادگی و فوت حمایت می‌شوند.

به دلیل بار مالی این قرارداد و نبود تمکن مالی در بین زنان خانه‌دار این طرح مورد استقبال قرار نگرفته است. اما از سال ۱۳۸۹ وزارت رفاه قصد داشت ذیل طرح «بیمه فراگیر اجتماعی»، که یکی از مواد اختیاری قانون برنامه پنجم توسعه است، زنان خانه‌دار را تحت پوشش قرار دهد، اما علیرغم اینکه در آستانه پایان مهلت اجرای قانون برنامه پنجم قرار داریم، لایحه مربوطه هنوز به مجلس نرسیده است. معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری نیز که در سال ۱۳۹۲ یک لایحه مجزا برای این بیمه تدوین کرد به دلیل جلوگیری از موازی‌سازی با لایحه وزارت رفاه، لایحه خود را به تعلیق درآورد که از سرنوشت آن اخبار چندانی منتشر نمی‌شود. باگذشت ۱۷ سال از مصوبه هیئت دولت، هنوز زنان خانه‌دار به حقوق قانونی خود نرسیده‌اند. بنابراین لازم است دولت دوازدهم با لحاظ تجربه‌ی طرح‌های قبلی از هم‌اکنون پیگیر یک برنامه‌ی مؤثر باشد. بعلاوه اجرای همگانی طرح بیمه زنان خانه‌دار یک پایگاه داده جمعی از مادران برای شناسایی مسائل این حوزه و برنامه‌ریزی برای رفع آن‌ها به وجود می‌آورد. لازم است دولت آینده تعیین کند تا برای حمایت از این قشر بسیار تأثیرگذار و بااهمیت، اجرای همگانی طرح بیمه زنان خانه‌دار را در دستور کار قرار می‌دهد یا خیر؟

به‌صورت آزمایشی با عنوان «صندوق تأمین اجتماعی زنان خانه‌دار» در سال ۱۳۸۱ با مسئولیت سازمان بهزیستی برای حمایت از این گروه با یک سازوکار ناکارآمد که منابع مالی پایداری نداشت و به بودجه‌ی سالانه وابسته بود تدوین و اجرایی شد که پس از سه سال شکست خورد و کنار گذاشته شد. در سال ۱۳۸۵ این طرح موردبازنگری قرار گرفت و طی آن با تغییراتی که در قانون تأمین اجتماعی کشور ایجاد شد، سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۷ زنان خانه‌دار را با رعایت شرایط مقرر در بیمه مشاغل آزاد، در زمره مشمولان این نوع پوشش بیمه‌ای قرار داد که طی آن زنان خانه‌دار در صورت تمایل می‌توانند با عنوان «خانه‌دار» با تکمیل فرم خود اظهاری و انعقاد قرارداد و پرداخت میزان تعرفه‌ی حق بیمه‌ی اعلام‌شده در هر سال از سوی خود از تعهدات قانونی این قرارداد برخوردار شوند. باوجود جمعیت ۲۰ میلیونی این گروه، تاکنون فقط ۴۳۰ هزار نفر در این بیمه ثبت‌نام کردند. حق بیمه موردنیاز برای بهره‌مندی از این طرح در سال ۱۳۹۵ مطابق جدول زیر است:

نرخ حق بیمه تأمین اجتماعی برای زنان خانه‌دار در سال ۱۳۹۵

نوع پوشش	میزان پرداخت سالانه با نرخ سال ۹۵
بازنشستگی	۱.۱۶۹.۵۰۰ تومان
بازنشستگی و فوت	۱.۳۶۴.۵۰۰ تومان
بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی	۱.۷۵۴.۰۰۰ تومان

سوالاتی که نامزد شما باید پاسخ دهند

با اجرایی کردن بیمه زنان خانهدار
موافقت می‌کنید؟

موافق

مخالف

آب هست اما...!

از مجموع میزان آب ورودی به کشور حدود ۱۶ درصد به صورت واقعی به مصرف می‌رسد. به عبارت دیگر، همه مباحث مطرح شده درباره میزان مصرف آب و یا استفاده از واژه‌هایی همچون بحران آب، صرفاً ناظر به ۱۶ درصد از آب ورودی به کشور است.

دارد که مهمترین آن عدم استفاده از روش‌هایی برای تغذیه سفره‌های زیرزمینی از جمله آبخیزداری و آبخوان‌داری است. معماران و دانشمندان این مرزوبوم طی سالیان گذشته توانستند با ساخت قنات‌های متعدد و با مدیریت و ذخیره روان‌آب‌ها، بر توزیع ناهمگون منابع آبی فائق آیند. که نتیجه این اقدامات، وجود امنیت کم نظیر در منابع آبی و غذایی کشور در صدهای اخیر بوده است. در هر حال مسئله کم‌آبی به خصوص در سال‌های اخیر، به

وجود بیابان‌های وسیع و کم‌آب در بخش عمده‌ای از نواحی مرکزی کشور از یک سو و تمرکز بخش زیادی از جمعیت در مناطق نیمه خشک و تبخیر بالای آب در کشور از سوی دیگر؛ موجب شده است که «کم‌آبی» واژه‌ای آشنا برای مردم باشد. مسئله‌ای که حساسیت‌ها نسبت به آن با کم و زیاد شدن میزان بارش تغییر می‌کند. هرچند یکی از عوامل اصلی بالا بودن تبخیر شرایط اقلیمی و آب و هوایی است، اما این تبخیر ۷۰ درصدی در نزولات آسمانی دلایل دیگری نیز

◆ نگاه دوم:

کارشناسانی که در این دسته قرار می‌گیرند اعتقاد دارند مرور آمارهای موجود در مورد متوسط میزان بارش در کشور و تغییرات اقلیمی، که در سال‌های مختلف اتفاق افتاده است، حقایق مهمی را در مورد وضعیت آبی کشور آشکار می‌سازد. نکات مذکور عبارتند از:

۱- براساس آمارهای موجود، پهنه کشورمان در هر سال آبی شاهد ورود بیش از ۴۲۴ میلیارد متر مکعب آب به کشور است که از دو طریق یعنی بارش و ورود از کشورهای همسایه به ایران محقق می‌شود. با این وجود و علی‌رغم همه تلاش‌های صورت گرفته توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف برای هدایت و بهینه کردن استفاده از این حجم عظیم آب در کشور، از مجموع میزان آب ورودی به کشور صرفاً حدود ۱۶ درصد یعنی ۶۵ میلیارد متر مکعب در کشور به صورت واقعی به مصرف می‌رسد. به عبارت دیگر، همه مباحث مطرح شده درباره میزان مصرف آب و یا استفاده از واژه‌هایی همچون بحران آب، صرفاً ناظر به ۱۶ درصد از آب ورودی به کشور است. سوال مهم این کارشناسان سرنوشت ۸۴ درصد آب ورودی به کشور است که می‌تواند به طور کلی تعبیر موجود در مورد بحران کم‌آبی ادر کشور را تغییر دهد. آنها معتقدند می‌توان بخش قابل توجهی از ۸۴ درصد آب مفقودی کشور را ردیابی کرد.

۲- میزان تبخیر آب در ایران ۳ برابر متوسط

شدت مورد توجه مردم و مسئولان قرار گرفته است. به طور کلی دو نگاه کلان به این مشکل در کشور وجود دارد که در سطح مفهومی و حتی عملکردی تفاوت‌های بنیادین با یکدیگر دارند.

◆ نگاه اول:

نگاه اول به وضعیت آبی که طرفدارانی از بدنه کارشناسان و مسئولین دارد، بر بحرانی بودن وضعیت کشور حوزه منابع و مصارف آب استوار است. بخش عمده مدافعان این دیدگاه، بحران آبی ایران را نتیجه استفاده بدون ملاحظه از آب در بخش کشاورزی می‌دانند. این کارشناسان معتقدند ایران با بهره‌برداری از ۹۷ درصد از آب‌های سطحی خود وارد بحرانی از بی‌آبی شده است و در آینده کوچ بیش از ۵۰ میلیون نفری مردم کشورمان از ایران به علت خشکسالی امری محتوم خواهد بود. در این نگاه، ایران در یک دوره خشکسالی بلند مدت قرار دارد و برای اصلاح این وضعیت و جبران کمبود آب در بخش‌های آشامیدنی و صنعت، باید هرچه زودتر مصرف آب در بخش کشاورزی به عنوان اصلی‌ترین مصرف‌کننده کاهش یابد و به حداقل ممکن برسد. در همین راستا از عدم گسترش و تمرکز بر کشاورزی در بخش‌های مختلف کشورمان حمایت می‌کنند. در واقع، این کارشناسان مهم‌ترین راهکار برون‌رفت از وضعیت کنونی آبی کشور را ابتدا کاهش و سپس بهینه کردن مصرف آب در بخش کشاورزی می‌دانند و از اجرای طرح‌هایی مانند «نکاشت» حمایت می‌کنند.

عدم حمایت از آبخیزداری و تمرکز بر روش‌های پر هزینه برای ذخیره آب همچون سدسازی (سدهایی که در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از ظرفیت آنها بدون استفاده است)، موجب شده است که منابع مالی بسیار زیادی در مسیری مصرف شود که هیچ فایده‌ای برای جلوگیری از تبخیر آب به عنوان بزرگترین محل هدر رفت آب‌های ورودی به کشور، نداشته باشد.

جهانی است و این مساله به همراه روش‌های انتخابی از سوی دستگاه‌های ذیربط برای ذخیره آب در کشورمان همچون سد سازی، منجر به اتلاف نزدیک به سالانه ۲۹۴ میلیارد متر مکعب آب در ایران می‌شود. به عبارت دیگر بیش از ۴ برابر همه آب مصرفی (در

آب را نسبت به بخش‌های دیگر از جمله خانگی و صنعت به خود اختصاص می‌دهد، اما دلیل اصلی این موضوع، عدم مصرف بهینه کشاورزان نیست؛ بلکه عدم سرمایه‌گذاری مناسب در شبکه‌های توزیع آب در بخش کشاورزی باعث شده است سالانه تنها در بخش کشاورزی ۳۱ میلیارد متر مکعب آب به علت بهره‌رور نبودن و عدم تجهیز مسیرهای انتقال آب به مزارع به هدر می‌رود.

تمام بخش‌های کشاورزی، صنعت و خانگی) در ایران به وسیله تبخیر از دست می‌رود. آنها معتقدند در حالی که با استفاده از روش‌های آبخیزداری امکان ذخیره حداقل ۳۰ درصد از آب تبخیر شده در کشور (معادل ۸۸ میلیارد متر مکعب در سال) وجود دارد، اما عدم حمایت از آبخیزداری و تمرکز بر روش‌های پر هزینه برای ذخیره آب همچون سدسازی (سدهایی که در حال حاضر حدود ۴۰ درصد از ظرفیت آنها بدون استفاده است)، موجب شده است که منابع مالی بسیار زیادی در مسیری مصرف شود که هیچ فایده‌ای برای جلوگیری از تبخیر آب به عنوان بزرگترین محل هدر رفت آب‌های ورودی به کشور، نداشته باشد.

به همین دلیل، نمی‌توان مصرف این میزان آب که تقریباً به اندازه ۵۰ درصد تمام آب مصرفی کشور است، را به حساب بخش کشاورزی گذاشت و این ادعای مدافعان دیدگاه اول که کشاورزی به عنوان بزرگترین مصرف کننده آب و مقصر بخش عمده‌ای از کمبود آب در کشور است، با واقعیت تطابق ندارد. البته مطابق با بررسی‌های این کارشناسان، مشکلات شبکه انتقال و توزیع آب در کشور محدود به بخش کشاورزی نیست و حدود ۳۵ درصد از مصرف آب خانگی کشور (حدود ۲ میلیارد متر مکعب در سال) هم به وسیله این شبکه مستهلک انتقال از بین می‌رود.

۳- مشکل مدیریت آب در کشور بخاطر عدم وجود مدیریت صحیح در حوزه آب است و نه کم‌آبی و این موضوع مصادیق مشخصی مانند اتلاف در شبکه انتقال و توزیع آب در کشور دارد. مطابق دیدگاه این گروه از افراد، اگرچه به صورت طبیعی و مانند سایر کشورهای جهان در ایران نیز بخش کشاورزی مصرف بخش عمده

بیش از ۷۰ درصد آب ورودی به کشور و افزایش بهره‌وری در شبکه‌های انتقال آب به کشاورزان است. در هر صورت، دولت آینده باید یکی از این دو دیدگاه را به عنوان محور اصلی فعالیت‌های خود برای برطرف کردن مشکلات کنونی کشور در حوزه آب انتخاب کند.

به صورت خلاصه، راهکار اصلی گروه اول برای اصلاح وضعیت فعلی، استفاده از منابع کنونی آب کشور با اولویت بخش‌های آشامیدنی و صنعتی و کاهش بهره‌وری بخش کشاورزی (به عنوان بزرگترین مصرف کننده آب) است و راهکار اصلی گروه دوم در این زمینه، آبخیزداری و کاهش تبخیر

سوالاتی که نامزدها باید پاسخ دهند

ریشه کم آبی چیست؟

مصرف زیاد کشاورزی
روش‌های غلط مدیریت و ذخیره آب

آقای سیرت محمود

برای مشاهده آخرین نظرات نامزدها به
صفحه پیشخوان آقای رئیس جمهور مراجعه کنید.

WWW.IRENTEKHABAT96.COM





آن کسانی که امروز با مردم حرف میزنند، آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند؛ قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛ قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگ خودشان استفاده خواهند کرد؛ قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛ قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت؛ قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکنند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛ قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد. بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است.

مقام معظم رهبری ۱۴/۳/۱۳۹۲



www.gamcenter.ir



[@aroshan](https://www.instagram.com/aroshan)



www.ayaronline.ir



www.kankashcenter.com